

مناجات

به سوی تو نمایم

مناجات

به سوی تو نمایم

دعا و نیایش در دیانت بهائی

Kherad Publishing - 2020

Email: editor@kheradpublishing.com

مقدمه

«دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او؛ به منزله غذای روح است و باعث تداوم حیات روحانی؛ همچون شب‌نم صبحگاهی موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد و روان را از تعلقات نفس اماره پاک و منزّه می‌سازد؛ ناری است که حجابات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند؛ موجد قوتی است روحانی که پرنده روح را با بال و پر خود در فضای نامتناهی الهی به پرواز درآورده به قریب درگاه احدیت فائز می‌نماید. آنچه موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد کیفیت نیایش است و تطویل آن محبوب نبوده و نیست. قدرت نهفته در دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که انگیزه اصلی آن محبت الله باشد؛ از ترس، توقع، تظاهر و خرافات به دور بوده با صداقت و پاکی دل تلاوت شود تا موجب تعمق و تأمل و سرانجام

شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدودهٔ حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نغمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.»^۱

از حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء گنجینه‌ای از ادعیه و مناجات به یادگار مانده و مجموعهٔ حاضر منتخبی از این مناجات‌ها است که تقدیم به خوانندگان محترم می‌گردد تا تلاوت آنها سبب تسکین روح و شادی جان و روان گردد و آینه قلب را از غبار غم و کدورت برهاند.

هو الله

ای مرغ پاری،

دم آن است که در چمنستان، آغاز نغمه ای نمائی و در

گلستان، سرودی زنی و چنگ و عودی ساز نمائی زیرا گل

عنایت حضرت احدیت در گلشن توحید شکفته و موسم بویع

الطاف رحمانیت رسیده و چمنستان حقیقت سبز و خرم گشته.

ع

فهرست مطالب

۲	۱	شکر و ستایش، راز و نیاز
۱۶	۲	ایران
۲۱	۳	دعا برای خانواده، پدر و مادر، فرزندان
۳۳	۴	ازدواج
۳۷	۵	طلب شفا برای بیماران
۴۳	۶	طلب آموزش برای درگذشتگان
۵۴	۷	حفظ و حمایت، فضل و عنایت
۹۵	۸	ایمان و عرفان، توکل و انقطاع
۱۱۳	۹	اتّحاد و محبّت، انس و الفت
۱۲۳	۱۰	رفع حزن و اندوه
۱۳۰	۱۱	طلب عفو و بخشش از درگاه پروردگار
۱۴۸	۱۲	نماز و روزه

شکر و ستایش، راز و نیاز

فهرست

بنام خداوند یکتا

ستایش بیننده پاینده را سزااست که به شب‌نمی از دریای
بخشش خود آسمان هستی را بلند نمود و به ستاره‌های
دانائی بیاراست و مردمان را به بارگاه بلند بینش و دانش
راه داد و این شب‌نم که نخستین گفتار کردگار است گاهی
بآب زندگانی نامیده میشود چه که مردگان بیابان نادانی را به
آب دانائی زنده نماید و هنگامی به روشنائی نخستین و این
روشنی که از آفتاب دانش هویدا گشت چون بتابید جنبش
نخستین نمودار و آشکار شد و این نمودارها از بخشش
دانای یکتا بوده اوست داننده و بخشنده و اوست پاک
و پاکیزه از هر گفته و شنیده بینائی و دانائی گفتار و کردار را
دست از دامن شناسائی او کوتاه هستی و آنچه از او هویدا
این گفتار را گواه. پس دانسته شد نخستین بخشش کردگار
گفتار است و پاینده و پذیرنده او خرد اوست دانای نخستین

در دبستان جهان و اوست نمودار یزدان آنچه هویدا از پرتو
بینائی اوست و هر چه آشکار نمودار دانائی او همه نامها
نام او و آغاز و انجام کارها باو.

بلسان جان محبوب امکان را ندا کن و بگو

ای خدای من و مالک من و دوست من و محبوب جان و روان
من چگونه از عهده شکر تو برآیم در بحر غفلت و نادانی
مستغرق بودم لسان فضلت مرا ندا نمود و ید عنایت مرا اخذ
کرد. ای پروردگار من غفلت من به مقامی رسید که مرا از
فُرات عذب یقین محروم ساخت و به ماء صدید ظنون راه
نمود از ذکرت غافل شدم و تو از من غافل نشدی از حبت
مخمود بودم و نار عنایت تو مشتعل به کدام وجه به تو توجه
نمایم و به چه لسان تو را بخوانم خجالت و انفعال مرا فرو
گرفته و از جمیع جهات مأیوس ساخته و لکن ای پروردگار من
و مقصود من و مولای من شنیده‌ام که فرموده‌ای امروز روزی
است که اگر یک بار نفسی از روی صدق ربّ آرنی گوید از
ملکوت بیان اُنظر ترانی استماع نماید و از این کلمه مبارکه
عالیه مقام امروز معلوم و واضح است و همچنین فرموده‌ای

اگر نفسی از اوّل لا اوّل از جمیع اعمال حسنه محروم مانده
باشد الیوم تدارک آن ممکن است چه که دریای غُفران در
امکان ظاهر و آسمان بخشش مرتفع سؤال می‌کنم از تو به
حرمت این روز مبارک که مصدر و مطلع ایام است مرا به
رضای خود موفق بداری و به طراز قبول مزین نمائی. ای
رَبِّ اَنَا الْمِسْكِينُ وِ عِنْدَكَ بِحُرِّ الْغِنَاءِ وِ اَنَا الْجَاهِلُ وِ عِنْدَكَ
كُنُوزُ الْعِلْمِ وَالْعُرْفَانِ وِ اَنَا الْبَعِيدُ وِ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَقْتَدِرُ الْمَتَعَالَى
الْقَرِيبُ.

بنام آفریننده توانا

سپاس و ستایش خداوندی را سزاوار که آفرینش را به توانائی خود از برهنگی نابودی رهائی داد و به پوشش زندگی سرافرازی بخشید پس گوهر پاک مردم را از میان آفریدگان برگزید و او را به پوشش بزرگی آرایش فرمود هر که زنگ خواهش از آئینه دل زدود سزاوار این پوشش یزدانی شد و خود را از برهنگی نادانی رهائی داد این پوشش، تن و جان مردمان را بزرگترین مایه آسایش و پرورش است خوشا روز آنکه به یاری خداوند یکتا از آرایش گیتی و آنچه در اوست رهائی یافت و در سایه درخت دانش بیاسود.

الها معبودا ملکا مقصودا

به چه لسان تو را شکر نمایم غافل بودم آگاهم فرمودی
معرض بودم بر اقبال تأیید نمودی مرده بودم از آب حیات
زندگی بخشیدی پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن
جاری شده تازگی عطا کردی. پروردگارا وجود کلّ از جودت
موجود از بحر کرمت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع
مکن در هر حال توفیق و تأیید می‌طلبم و از سماء فضل
بخشش قدیمت را سائلم. توئی مالک عطا و سلطان ملکوت
بقا.

کریم رحیما

گواهی می‌دهم به وحدانیّت و فردانیّت تو و از تو می‌طلبم آنچه را که به دوام مُلک و ملکوت باقی و پاینده است. توئی مالک ملکوت و سلطان غیب و شهود ای پروردگار مسکینی به بحر غنایت توجه نموده و سائلی به ذیل کرمات اقبال کرده او را محروم منما. توئی آن فضالی که ذرات کائنات بر فضلت گواهی داده توئی آن بخشنده‌ای که جمیع ممکنات بر بخششست اعتراف نموده این بنده از کلّ گذشته و به حبال جود و اذیال کرمّت تمسک و تشبّث جُسته و در جمیع احوال به تو ناظر و تو را شاکر اگر اجابت فرمائی محمودی در امر و اگر رد نمائی مُطاعی در حکم. توئی آن مقتدری که کلّ نزد ظهورش عاجز و قاصر مشاهده شوند. ای کریم این عبد را به خود وامگذار. توئی قادر و توانا و مالک جود و عطا.

هُوَ اللَّهُ تَعَالَى شَأْنُهُ الْعَظْمَةُ وَالْاِقْتِدَارُ

إِلَهِي إِلَهِي، أَشْكُرُكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَأَحْمَدُكَ فِي جَمِيعِ
الْأَحْوَالِ. فِي النُّعْمَةِ أَلْحَمْدُ لَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. وَفِي فَقْدِهَا
الشُّكْرُ لَكَ يَا مَقْصُودَ الْعَارِفِينَ. فِي الْبَأْسَاءِ لَكَ الشَّنَاءُ يَا مَعْبُودَ
مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَفِي الضَّرَائِ لَكَ السَّنَاءُ يَا مَنْ بِكَ
انجذبت أُمَّةُ الْمُشْتَاقِينَ. فِي الشَّدَّةِ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَقْصُودَ
الْقَاصِدِينَ وَفِي الرَّخَاءِ لَكَ الشُّكْرُ يَا أَيُّهَا الْمَذْكُورُ فِي قُلُوبِ
الْمُقَرَّبِينَ. فِي الثَّرْوَةِ لَكَ الْبَهَاءُ يَا سَيِّدَ الْمُخْلِصِينَ وَفِي الْفَقْرِ
لَكَ الْأَمْرُ يَا رَجَاءَ الْمُوَحِّدِينَ. فِي الْفَرَحِ لَكَ الْجَلَالُ يَا لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ وَفِي الْحُزَنِ لَكَ الْجَمَالَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. فِي الْجُوعِ
لَكَ الْعَدْلُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَفِي الشَّبَعِ لَكَ الْفَضْلُ يَا لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ. فِي الْوَطَنِ لَكَ الْعَطَاءُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَفِي الْغُرْبَةِ
لَكَ الْقَضَاءُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. تَحْتَ السَّيْفِ لَكَ الْإِفْضَالُ يَا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَفِي الْبَيْتِ لَكَ الْكَمَالُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. فِي
الْقَصْرِ لَكَ الْكَرَمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. وَفِي التُّرَابِ لَكَ الْجُودُ
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. فِي السَّجْنِ لَكَ الْوَفَاءُ يَا سَابِغَ النَّعْمِ وَفِي
الْحَبْسِ لَكَ الْبَقَاءُ يَا مَالِكَ الْقِدَمِ لَكَ الْعَطَاءُ يَا مَوْلَى الْعَطَاءِ
وَسُلْطَانَ الْعَطَاءِ وَمَالِكَ الْعَطَاءِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ فِي فِعْلِكَ
يَا أَصْلَ الْعَطَاءِ وَمُطَاعٌ فِي حُكْمِكَ يَا بَحْرَ الْعَطَاءِ وَمَبْدَأَ الْعَطَاءِ
وَمَرْجَعَ الْعَطَاءِ.

محبوب مهربانا تشنه زلال عنایتم از چشمه محبت جرعه‌ای
بنوشان مشتاق مشاهده انوارم پرتو شمس حقیقت بنما
سرمست جام محبتم رحیق الطاف بنوشان. خدایا بیدار
کن هوشیار فرما بینا کن شنوا نما از غیر خود بیزار کن و به
دام محبت گرفتار نما. توئی بخشنده و توئی مهربان و توئی
بینا و توئی شنوا.

عبدالبهاء عباس

هُوَاللّٰهُ

ای بندهٔ جمال ابھی دو دست نیاز به درگاه خداوند بی انباز
دراز نما و به بارگاه پروردگار نماز آر و بگو ای مهربان
یزدان من و ای مهرپرور جهانبان من چه ستایش نمایم که
سزاوار آستان پاکت گردد و چه نیایش کنم که شایان درگاه
خداوندیت شود مگر آنکه ناتوانیم را نمایان کنم و به نادانی
خویش آگاه گردم. ای خداوند بی مانند بخشش فرمودی و
بینش بخشیدی و شناسائی دادی چون پرده برانداختی و رخ
برافروختی و جهان را به آتش مهت بسوختی، این بنده را
نیز بهره‌ای از دریای بخشش بخشیدی. ستایش ترا نیایش
ترا.

هُوَاللَّهُ

ای خدای پُرعطای ذوالمنن

واقف جان و دل و اسرار من

در سحرها مونس جانم توئی

مطلع بر سوز و حرمانم توئی

هر دلی پیوست با ذکرت دمی

جز غم تو می نجوید محرمی

خون شود آن دل که بریان تو نیست

کور به چشمی که گریان تو نیست

در شبان تیره و تار ای قدیر

یاد تو در دل چو مصباح منیر

از عنایات به دل روحی بدم

تا عدم گردد ز لطف تو قِدم

در لیاقت منگر و در قدرها

بنگر اندر فضل خود ای ذوالعطا

این طیور بال و پر اشکسته را

از گرم بال و پری احسان نما

عع

هُوَالأَبهى

ای پروردگار ستایش و نیایش ترا لایق و سزاوار که این
مردۀ افسرده را جان بخشیدی و این گمگشته سرگشته را به
دارالامان راه دادی این بی سرو سامان را در مأمن الطاف
پناه دادی و این تشنه سوخته را به رحیق مختوم و ماء عذب
حیوان سیراب فرمودی چه که به هدایت کبری فائز داشتی و
به موهبت عظمی مخصّص کردی. کردگارا شکر ترا حمد
ترا نیایش ترا.

عع

ایران

فهرست

هُوَالأُبْهَى

ای دو بندگان خدا پرتو آفتاب آسمانی مدّتی از خاور ایران
پنهان شد پس دریای بخشش آبیاری فرمود. به نزدیکی
خواهید دید که آن کشور رشک گلزار گردد و آن مرز و بوم
نشانه باغ بهشت جاودان. پرستش پروردگار را باید و شاید
که این خاک سیاه را به باران بخشش دوباره سبز و خرم
فرمود و ایرانیان را افسر سرفرازی بر سر نهاد بزرگواری دیرین
با پرتوی دلنشین در این بهشت برین رخ گشود و آوازه اش به
هر کشور رسید جانتان خوش باد.

عع

بنام یزدان مهربان

پاک یزدانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و شورانگیز
و دانش خیز و گوهرریز. از خاورش همواره خورشیدت
نورافشان و در باختش ماه تابان نمایان کشورش مهرپرور
و دشت بهشت آسایش پُر گل و گیاه جان پرور و کهسارش پُر
از میوه تازه و تر و چمنزارش رشک باغ بهشت هوشش پیغام
سروش و جوشش چون دریای ژرف پُر خروش. روزگاری بود
که آتش دانشش خاموش شد و اختر بزرگواریش پنهان در
زیر روپوش باد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار
چشمه شیرینش شور گشت و بزرگان نازینش آواره و دربدر
هر کشور دور. پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک تا
آنکه دریای بخششت به جوش آمد و آفتاب دهش دردمید
بهار تازه رسید و باد جانپرور وزید و ابر بهمن بارید و پرتو آن
مهرپرور تابید کشور بجنید و خاکدان گلستان شد و خاک

سیاه رشک بوستان گشت جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند
گشت دشت و کهسار سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه
و آهنگ همدم شدند هنگام شادمانی است پیغام آسمانی
است بنگاه جاودانی است بیدار شو بیدار شو. ای پروردگار
بزرگوار حال انجمنی فراهم شده و گروهی همداستان گشته
که به جان بکوشند تا از آن باران بخششت بهره به یاران دهند
و کودکان خود را به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده
رشک دانشمندان نمایند آئین آسمانی بیاموزند و بخشش
یزدانی آشکار کنند. پس ای پروردگار مهربان تو پشت و پناه
باش و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش رسند و از کم و
بیش درگذرند و آن مرز و بوم را چون نمونه جهان بالا نمایند.

۴۴

ای یزدان پاک

این فارسیان یاران دیرینند و دوستان قدیم آواره بودند و سرگردان و بی سر و سامان حال که در پناه خود جان بخشیدی و الطاف بی پایان روا داشتی معتکف کوی خویش نمودی و دلدادۀ روی خویش و با بهره از خوی خویش این جانهای پاک را تابناک کن و در اعلیٰ غُرَفِ افلاک منزل و مأوی بخش ظهیر و نصیر شو و شهریاران کشور اثیر فرما تا هر یک در افق وجود تابنده اختری گردند و از گنج محبت و هدایت دیهیم و افسری جویند. توئی مقتدر توئی توانا و توئی شنونده و بینا.

دعا برای خانواده، پدر و مادر، فرزندان

فهرست

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران
خوطة ده و از گناه و خطا پاک و مقدّس نما عفو و بخشش
شایان نما و غفران و آمرزش ارزان کن. توئی آمرزنده و
توئی غفور توئی بخشنده فیض موفور. ای آمرزگار هر چند
گناه کاریم ولی امید به وعد و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت
خطا مبتلائییم ولکن توجه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه
سزاوار درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است
شایان فرما. توئی غفور توئی عفو و توئی بخشنده هر قصور.

ای یزدان مادر مهربان را آمرزش بخش و در آغوش عفو و
غفران پرورش ده و ریزش باران رحمت شایان فرما و تابش
آفتاب بخشش روا دار. توئی آمرزنده و غفور از هر قصور و
توئی بخشنده بر هر کنیز شکور.

عع

ای پروردگار آن مادر مهربان عزیز است موفق و مؤیدش به
رضای خویش فرما و از سلسبیل عنایت بنوشان و از جام
احدیّت بچشان سرمست باده است کن و در بزم ملکوت
ابهی سرفرازش کن و به افق اعلیٰ موفق نما.

عع

هُوَاللّٰهُ

ای خدای آمرزنده مادر مهربان مرا گناه بیامرز قصور عفو فرما
نظر عنایت بنما و در ملکوتِ خویش داخل کن. خدایا مرا از
بدو حیات تربیت نمود پرورش داد ولی من مکافاتِ زحمات
او را ننمودم تو مکافات فرما او را حیات ابدیه بخش و در
ملکوت خویش عزیز فرما. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان.

۴۴

ای خداوند بی مانند این مستمند به درگهت افتاده شوریده
و آشفته شیفته و دلداده طلب آموزش از برای مادر مهربان
می نماید. تو بخشنده یگانه و دهنده هر آشنا و بیگانه
آموزشی فرما تا سبب ریزش باران رحمت گردد و پرورش
جان آن کنیز محترم. توئی بخشنده و مهربان و توئی پاینده
حضرت یزدان.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند بنده پرور پدر این مهرپرور را به بهشتِ برین رهبر
شو و از گناه و خطا درگذر تا در جهانِ دیگر با رخی منور در
میان آزادگان محشور گردد و به نظر عنایت منظور. توئی کریم
و رحیم و غفور و رؤوف و مهربان.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند بمانند کودکی بینوا را پناه باش و بیچارهٔ پُرگناه
را آمرزنده و مهربان. ای پروردگار هر چند گیاه تباهیم ولی
از گلستان توئیم و نهال بی شکوفه و برگیم ولی از بوستان تو
پس این گیاه را به رشحات سحاب عنایت پرورش ده و این
نهال پژمرده را به نسیم بهار روحانی حرکت و طراوت بخش
بیدار کن هشیار کن بزرگوار کن حیات ابدیهٔ بخش و در
ملکوت پایدار کن.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای بدیع الألفاف لطفی بدیع نما و لطافت ربیع بخشا ما
نهالانیم به دست مرحمت کشته و با آب و گل مودتت
سرشته محتاج جوی عطای توئیم و شایان ابر سخای تو.
این کشت امید را به خود مگذار و از باران عنایت دریغ مدار
از سحاب جودت ببار تا نهال وجود ببار آید و دلبر مقصود
درکنار.

عبدالبهاء عباس

هُوَاللّٰهُ

خداوندا مهربانا کودکانیم بینوا و طفلانیم در نهایت فقر و
فنا ولی سبزه جویبار توئیم و نهال‌های پُرشکوفه بهار تو از
رشحات سحاب رحمت طراوتی بخش و از حرارت آفتاب
موهبت نشو و نما احسان فرما از نسیم حدائق حقایق لطافتی
عنایت کن و در بوستان معارف، درختان پُربزرگ و بار فرما در
افق سعادت ابدی نجوم ساطع الانوار کن و در انجمن عالم
انسانی چراغهای نورانی فرما. پروردگارا اگر بنوازی هر یک
شهباز اوج عرفان گردیم و اگر بگذاری بگدازیم و به ضرر و
زیان گرفتار شویم هر چه هستیم از توئیم و به درگاهت پناه
آریم. توئی دهنده و بخشنده و توانا.

هُوَاللّٰهُ

ای پاک یزدان این نهالان جویبار هدایت را از باران ابر
عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش
و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا نما تا نشو و نما
نمایند و روز به روز ترقّی کنند و شکفته گردند و پُربار و برگ
شوند. ای پروردگار جمله را هوشیار کن و قوّت و اقتدار
بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برازندگی در
بین خلق محشور شوند. توئی مقتدر و توانا.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای خدای مهربان هر چند کودکانیم بینوا و طفلانیم ناتوان
پریشانیم و بی سر و سامان ولی نهال‌های باغیم و تو باغبان.
پروردگارا به فیض ابر عنایت و حرارت شمس حقیقت و
هبوب نسیم هدایت این نهال‌ها را نشو و نما ده و طراوت و
لطافت بخش تا برگ و شکوفه آرد و مثمر ثمر گردد. خداوند
مهربانا نادانیم دانا کن بی چشمیم بینا فرما مرده‌ئیم زنده
کن بی کسیم بنواز و مهربان باش موفق بر تعلم و تعلیم کن و
مؤید بر تحصیل و تکمیل. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده
و بخشنده و مهربان.

ازدواج

فهرست

ای خداوند این اقتران را سبب برکت آسمانی کن و اسباب
اشتعال بنار محبت در ملکوت جاودانی. فیضی عطا نما که
هر دو در عتبه مقدّسات مقرب گردند و بر محبت ثابت مانند
و روز بروز در مقامات روحانیّه ترقّی نمایند و در بین خلق دو
آیت باهره ایمان و ایقان شوند. والحمد لله ربّ العالمین.

ای پروردگار این عقد الفتی که برستی پاینده دار و این بنده و کنیز را ارتباطی روحانی و جسمانی بخش این اقتران را شکون فراوان ده و این ازدواج را سبب ابتهاج فرما بر روحانیت هر دو بیفزا و نورانیت بخش تا هر دو در نهایت راستی و حقیقت پرستی بعبودیت آستان مقدّست موفق گردند جز تو نخواهند و جز تو نجویند و جز ذکر تو نگویند سرگشته کوی تواند و آشفته روی تو. توئی عزیز و مهربان و توئی بخشنده و منّان انت الموفق المؤید الکریم الرّحیم.

ای خداوند بمانند به حکمت کبرایت اقتران در بین اقتران
مقدّر فرمودی تا سلالهٔ انسان در عالم امکان تسلسل یابد
و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و
ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند و ما
خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. حال این دو مرغ آشیانه
محبت را در ملکوت رحمانیت عقد اقتران بند و وسیله
حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت
موج الفت برخیزد و لآلی سلالهٔ نجیبهٔ مقدّسه بر ساحل وجود
ریزد مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ. ای خداوند
مهربان این اقتران را اسباب تولید در و مرجان فرما. انک
انت المقتدر العزيز الغفور الرحمن الرحيم.

طلب شفا برای بیماران

فهرست

بِسْمِهِ الْمُهَيْمِنِ عَلَى الْأَسْمَاءِ

إِلَهِي إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ شِفَائِكَ وَإِشْرَاقَاتِ أَنْوَارِ نَيْرِ فَضْلِكَ
وَبِالْأَسْمِ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ وَبِنُفُودِ كَلِمَتِكَ الْعُلْيَا وَاقْتِدَارِ
قَلَمِكَ الْأَعْلَى وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
أَنْ تُطَهِّرَنِي بِمَاءِ الْعَطَاءِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَضَعْفٍ وَعَجْزٍ.
أَيُّ رَبِّ تَرَى السَّائِلَ قَائِمًا لَدَى بَابِ جُودِكَ وَالْأَمَلَ مُتَمَسِّكًا
بِحَبْلِ كَرَمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ عَمَّا أَرَادَ مِنْ بَحْرِ فَضْلِكَ
وَشَمْسِ عَنَائِتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.

هُوَ الْحَافِظُ الشَّافِي

أَنْتَ الَّذِي يَا إِلَهِي بِأَسْمَائِكَ يَبْرَأُ كُلُّ عَالِيٍّ، وَيُشْفَى كُلُّ
مَرِيضٍ وَيُسْقَى كُلُّ ظَمَانٍ، وَيَسْتَرِيحُ كُلُّ مُضْطَرَبٍ وَيُهْدَى كُلُّ
مُضِلٍّ، وَيَعِزُّ كُلُّ ذَلِيلٍ وَيَغْنَى كُلُّ فَقِيرٍ، وَيَفْقَهُ كُلُّ جَاهِلٍ وَيَتَنَوَّرُ
كُلُّ ظُلْمَةٍ، وَيَفْرَحُ كُلُّ مَحْزُونٍ وَيَسْتَبْرِدُ كُلُّ مَحْرُورٍ، يَسْتَرْفَعُ
كُلُّ دَانٍ، وَبِاسْمِكَ يَا إِلَهِي تَحَرَّكَتِ الْمَوْجُودَاتُ وَرُفِعَتْ
السَّمَاوَاتُ وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ وَرُفِعَتْ السَّحَابُ وَأَمْطَرَتْ عَلَى
كُلِّ الْأَرْضِي، وَهَذَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ،
فَلَمَّا كَانَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَظْهَرْتَ
نَفْسَكَ وَأَرْفَعْتَ أَمْرَكَ عَلَى كُلِّ الْمُمْكِنَاتِ، ثُمَّ بِكُلِّ أَسْمَائِكَ
الْحُسْنَى وَصِفَاتِكَ الْعُلْيَا وَأَذْكَارِ نَفْسِكَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى بِأَنَّ
تُنَزَّلَ فِي هَذَا اللَّيْلِ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ أَمْطَارَ شِفَائِكَ
عَلَى هَذَا الرَّضِيعِ الَّذِي نَسَبْتَهُ إِلَى نَفْسِكَ الْأَبْهَى فِي

مَلَكُوتِ الْإِنشَاءِ، ثُمَّ أَلْبَسَهُ يَا إِلَهِي مِنْ فَضْلِكَ قَمِيصَ الْعَافِيَةِ
وَالسَّلَامَةِ، ثُمَّ أَحْفَظُهُ يَا مَحْبُوبِي عَنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَكْرُوهٍ،
وَإِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَيُّومُ،
ثُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْهِ يَا إِلَهِي خَيْرَ الدُّنْيَا الْآخِرَةِ وَخَيْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
وَإِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ لَقَدِيرٌ حَكِيمٌ.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار این تشنهٔ سلسبیل حیات را از چشمهٔ حیوان بنوشان و این علیل را از درمان ملکوتی معالجه فرما این مریض را شفای حقیقی بخش و این طریح فراش را از دریاق اعظم قوه و توانائی عطا فرما. توئی شافی توئی کافی و توئی وافی.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار دردمندان را درمان کن و هوشمندان را محرم
ایوان افق علیین^س را به نور مبین روشن نما و ساحت دلها را
رشک گلزار و گلشن کن هر یک از احبّا را نجم هدی نما و
هر یک از اهل وفا را کوبی ساطع در افق اعلیٰ نهالهای
حدیقهٔ رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان
بارگاه احدیت را صباحت و ملاححت ده بندگان دیرینت
را انوار علیین^س فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم نعیم
کن رویشان برافروز و خویشان را مشک جان فرما و آفاق را
معطر نما و معنبر نما دستشان ید بیضا نما و لفظشان لؤلؤ
لالا برهانشان ثعبان مبین کن و دلیشان سنوحات علیین^س
ظهیرشان شدیدالقوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی.

طلب آموزش برای درگذشتگان

فهرست

هُوَالله

پروردگارا این جانهای پاک سوی تو شتافتند و از جوی تو نوشیدند و آرزوی روی تو نمودند این بستگان را در دریای غفران غوطه ده و این مشتاقان را به لقای خویش فائز و خورسند فرما پروانه‌های شمع تواند و آرزومند جمع و انجمن. آنچه آرزوی دل و جان است شایان و رایگان فرما.

عبدالبهاء عباس

هُوَاللّٰهُ

خداوند مهربانا این جانهای پاک به جهان افلاک شتافتند
و به جهان پنهان ملکوت اسرار تاختند. ایزد پاکای این گروه
عاشقان روی تو بودند و آشفتهگان موی تو شب و روز به
یادت دمساز بودند و در گلشن محبت پرنغمه و آواز. خداوند
مهربانا گناه ببخش پناه بده کامور فرما روی منور کن مشام
معطر نما و در محفل تجلی مستقر کن.

عبدالبهاء عباس

ای خداوند بمانند این یار عزیز را پرور و تارکش را به افسر
عطا زینت و زیور بخش دیهیم جهانبانی جهان جاودانی ده
و اکیل موهبت آسمانی بر سر گذار. مشتاق دیدار بود در
محفل تجلی راه ده و آرزوی مشاهده مینمود پرتو لقا مبذول
فرما پروانه مشتاق بود به شمع جمال نزدیک فرما بلبل
پُراحتراق بود به وصل گل فائز کن یارانش را یاوری فرما و
صبر و قرار بخش و تحمل و اصطبار عنایت کن تا در فرقتش
از حُرقت نجات یابند و از حرمان و هجرانش تسلی قلب
حاصل کنند. توئی مقتدر توئی عزیز توئی معین توئی توانا و
انک لعلی کلّ شیء قدیر.

هُوَاللّٰهُ

آموزگار را ایزد بزرگوارا این جانها مانند مرغان تیزیر از دام
خاکدان آزاد شدند و به جهان آسمان پرواز نمودند از لانه
خاک رهِیدند و به آشیانه جهان پاک پریدند به این امیدند که
در گلشن روشن جهان بالا بر سرو باغ بهشت نشیمن جویند
و در کاخ آموزش جای گیرند. خداوند مهربانا هر روان پاک
را به بارگاه ایزدی راه ده و هر مستمند بیچاره را در مینوی
همایون خویش ارجمند فرما و در دریای دهش و بخشش
انداز و دیدن روی تابان روا دار. توئی دهنده و بخشنده و
آموزنده و مهربان و علیکم البهاء الابهی.

عبدالبهاء عباس

هُوَاللّٰهُ

بخشنده یزدانا این بندگان آزادگان بودند و این جانهای تابان
بنور هدایت روشن و درخشنده گشتند جامی سرشار از باده
محبت نوشیدند و اسراری بی پایان از اوتار معرفت شنیدند
دل به تو بستند و از دام بیگانگی جستند و به یگانگی
تو پیوستند این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در
حلقه خاصان درآر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و
مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان.

هُوَالأُبْهَى

آمرزنده و مهربانا این جانهای پاک از زندان خاک آزاد شدند
و به جهان تو پرواز کردند نیکخو بودند و مفتون روی تو و
تشنه جوی تو در زمان زندگانی به نَفْحَةُ رحمانی زنده شدند
دیده بینا یافتند گوش شنوا داشتند از هر بستگی آزاد بودند
و پیوسته به عنایات خرم و دلشاد حال به جهان راز پرواز
نمودند و در جوار رحمت بر شجره طُوبی لانه و آشیانه سازند
و به نغمه و ترانه پردازند. خدایا این نفوس را گناه بیامرزد و
از چاه به اوج ماه برسان در گلشن الطاف راه ده و در چمن
عفو و غفران پناه بخش سرور آزادگان کن و در حلقه مقربان
درآر بازماندگان را نوازش فرما و آسایش بخش و زیور عالم
آفرینش کن تا به ستایش تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو.
توئی عفو توئی غفور توئی آمرزنده و مهربان.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار این بندگان یاران تو و این کنیزان عزیزان درگاه
تو هر یک سرگشته کوی تو آشفته روی تو دلدادۀ خوی تو
از جهان خاک بیزار شدند و طالب عالم پاک کشور تابناک
شدند در نهایت اشتیاقند و از فرقت جمال و کمالت در
غایت احتراق حال سوی تو شتافتند تا بوی تو بویند کوی تو
جویند روی تو بینند. ای ایزد مهربان از این جهان رها یافتند
و به جهان تو پرواز نمودند به ملکوت خویش راه ده و در
گلشن بقا لانه و آشیانه عطا کن تا به آهنگ تقدیس پردازند
و نغمۀ بدیع بنوازند و به آواز خوش گلبانگ توحید برافرازند.
توئی بخشنده و توئی آمرزنده و توئی درخشنده و مهربان.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار این نفس پاک توجه به ملکوت تو نمود و تضرّع و زاری کرد تا حال اسیر ناسوت بود حال قصد ورود در ملکوت بقا نمود و توجه به جهان روحانی کرد و امید الطاف نامتناهی داشت. ای آمرزگار گنه بیامرزو عفو و غفران مبذول دار این تشنه را به چشمه حیات رسان و این ماهی را در بحر بی پایان غفران غوطه ده تا این طیر به گلشن رحمانی پرواز نماید و در حدائق عفو و مغفرت نامتناهی درآید. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان.

عع

هُوَاللَّهُ

ای پروردگار این مشتاقان آشفته روی تواند و سرگشته کوی
تو و متوجه به سوی تو و عاشقان خوی دلجوی تو این نفوس
مبارک را در جهان ملکوت بر سریر عزت ابدیه استقرار ده
و اکلیل جلیل مواهب کلیه بر سر نه تا در جهان بالا سرفراز
گردند و با نغمه و آواز به شکرانه الطاف پردازند. توئی مقتدر
و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا انک انت الکریم
العظیم المتعال.

هُوَالله

ای پروردگار آمرزگار این طفلِ کودک سراجِ محفل بود و مرغ
خوش الحان آن منزل تلاوت آیات می نمود و به ابداع الحان
ترتیل کلمات می کرد ببلب گویا بود و به آهنگ ملاءِ اعلی
دمساز حال از گلخن فانی به گلشن باقی پرواز نمود تا در
ملکوت راز به نغمه و آواز پردازد. ای پروردگار الطاف
بی پایان شایان کن و غفران رایگان فرما. توئی آمرزنده و
مهربان.

حفظ و حمايت، فضل و عنايت

فهرست

الهی الھی

این عبد را از شرّ نفس و هوی حفظ فرما و بنور برّ و تقوی
مزین دار. ای مالک من مملوکت ترا ذکر می نماید و لازال
بصرش منتظر عنایات لانهایه تو بوده و هست پس باز کن
باب رحمت را و قسمتی عطا فرما این عبد متمسکت را. از
یک کلمه علیا عالم وجود را موجود فرمودی و بانواع مائده و
نعمت و آلاء لاتحصی مزین داشتی. توئی بخشنده و توانا
لا اله الا انت العلیّ الابهی.

الها معبودا

این نهالست تو غرس نمودی از امطار سحاب رحمت آبش ده. توئی آن کریمی که عصیان عالم ترا از گرم منع ننمود و از بدایع فضلت باز نداشت توئی که جودت وجود را موجود فرمود و بافق اعلی راه نمود عبادت را از صراط مستقیم منع مفرما. توئی قادر و توانا.

پاکا پادشاها

هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده توئی آن توانائی که جودت وجود را موجود فرمود و خطای عباد عطایت را باز نداشت. ای کریم از مطلع نورت منور نما و از مشرق غنایت ثروت حقیقی بخش. توئی بخشنده و توانا.

الها معبودا ملکا ملک الملوکا

از تو می‌طلبم تأیید فرمائی و توفیق عطا کنی تا به آنچه سزاوار
ایام توست عمل نمایم و قابل جود و گرم توست مشغول
گردم. ای کریم غافلان را ببحر آگاهی راه نما و کنیزانت را
بانوار اسمت منور فرما و باعمال طیبه طاهره و اخلاق مرضیه
مؤید دار. لك الحمد و الثناء و لك الفضل و العطاء. این نملة
فانیه را بسرادق عرفانت راه نمودی و در ظلّ خباء مجدت
مأوی دادی. توئی بخشنده و توانا و دانا و بینا.

الها معبودا مسجودا

بيك كلمه از كلمات عليا ارض و سما را خلق فرمودی و بيك قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوّت و قدرت جابره ارض و فراعنه بلاد ترا از اراده منع نمود. ای کریم فقیری بابت توجه نموده و ضعیفی بحبل اقتدارت تمسک جسته از تو کرم قدیمت را میطلبد و عفو جدیدت را سائل و آمل او را از دریای فضلت محروم منما و از کوثر زندگانی ابدی ممنوع مساز توئی قادر و توانا. ای پروردگار ذرات عالم بر غنایت گواهند و بر فضلت مقرر و معترف آیا مثل تو غنی مثل منی فقیر را محروم مینماید؟ حاشا و کلاً. أَشْهَدُ وَ يَشْهَدُ كُلُّ الْأَشْيَاءِ بِأَنَّكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

الها معبودا ملکا

حمد و ثنا سزاوار تو است چه که از مشتی تراب خلق را خلق فرمودی و گوهر بینش و دانش عطا نمودی. ای کریم از تو میطلبیم آنچه را که سبب حیات ابدی و زندگی سرمدیست ما را محروم منما وجود از جودت موجود او را از طراز عنایت منع مفرما و کلّ را به تجلیات انوار نیر توحید منور گردان. لَكَ الْأَمْرُ فِي الْمَبْدَأِ وَالْمَعَادِ وَ لَكَ الْحَكْمُ يَا مَالِكَ الْإِبْجَادِ وَ مَالِكَ الْعِبَادِ.

الها معبودا

عبادت را از ثمره وجود محروم منما و از بحر جودت قسمت
عطا فرما توئی مقتدری که قوت عالم قوتت را ضعیف ننمود
و شوکت امرای ارض ترا از مشیتت باز نداشت از تو میطلبم
فضل قدیمت را و عنایت جدیدت را. توئی فضال و توئی
غفار و توئی بخشنده و توانا.

الها معبودا مسجودا

شهادت میدهم به وحدانیت تو و فردانیت تو و بخششهای
قدیم و جدید تو توئی آن کریمی که امطار سحاب سماء
رحمت بر شریف و وضع باریده و اشراقات انوار آفتاب
بخششت بر عاصی و مطیع تابیده. ای رحیمی که ساذج
رحمت بابت را ساجد و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف
از تو سؤال مینمائیم فضل قدیمت را میطلبیم و جود جدیدت
را میجوئیم که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات
ایامت محروم نسازی. جميع محتاج و فقیرند و أنت الغني
الغالب القدير.

الها معبودا

ترا ذکر مینمایم و بحبل عنایت متمسک و بذیل رحمت
متشبثم از تو آمرزش قدیمت را میطلبم و فضل عمیمت را
میجویم. أسألك بأنوارِ أنبيائك ورسلك أن تُؤيِّدني على ذكرك
وثنائك و العملِ بما أمرتني به في كتابك. انك أنت المقتدرُ
على ما تشاء لا اله الا أنت الغفورُ الكريمُ.

يَا مَنْ وَجْهَكَ كَعَبْتِي وَجَمَالَكَ حَرَمِي وَشَطْرَكَ مَطْلَبِي وَذِكْرَكَ
رَجَائِي وَحُبُّكَ مُؤْنَسِي وَعِشْقُكَ مُوجِدِي وَذِكْرَكَ أَنْيْسِي وَ
قُرْبِكَ أَمَلِي وَوَصْلَكَ غَايَةَ رَجَائِي وَمُنْتَهَى مَطْلَبِي أَسْأَلُكَ بِأَنْ
لَا تُخَيِّبَنِي عَمَّا قَدَّرْتَهُ لِخَيْرَةِ عِبَادِكَ ثُمَّ ارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَإِنَّكَ أَنْتَ سُلْطَانُ الْبَرِيَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.

هُوَالأَبهى

ای پروردگار این نفوس آشفته روی تواند و گمگشتگان کوی
تو و عاشقان خُلق و خوی تو سرمست جام تواند و پرندگان بام
تو مرغان دست آموز عنایتند و بلبلان شیدای گلهای حقیقت
تشنگان چشمه رحمتند و آوارگان اقلیم مرحمت. ای آمرزگار
گناه بندگان غفران نما و پناه به بیچارگان بخش. توئی خدای
مهربان و توئی صاحب عفو و غفران ضعیفان را قوت بخش
و علیلان را شفا عنایت فرما و مستمندان را ارجمند کن و
افسردگان را اشتعال بخش از شر افتتان عظیم محفوظ و از
صدمات امتحان شدید مصون بدار بر عهد و میثاق مستقیم
کن و برپیمان و ایمان مستدیم در ظلّ ملکوت ابهات منزل
ده و در پناه جبروت اعلایت مأوی بخش. توئی مقتدر و توانا
توئی شنونده و بینا.

هُوَالأَبهى

ای پروردگار بی‌انباز مقدّسی و منزّه رحیمی و مهربان
مجیری و دستگیری این بیچارگان را در پناه خود منزل ده و
این افتادگان را در کفّ حفظ و حمایت خویش از شرّ اهل
نفاق محفوظ دار. انت الحافظ المقتدر العزیز القدیر.

٤٤

هُوَالأَبهى

خداوندا پاک و مقدّسى و بى نیاز و منزّهى این بنده بیچاره
را در پناه حضرت احدیّت ملجأ و پناه بخش و در ظلّ سدره
بى منتهايت مسکن و مأوى عنایت کن.

٤٤

هُوَاللّٰهُ

ای رحمن ای یزدان بنده‌ای هستم ضعیف و نحیف و ناتوان
ولی در پناه فضل و موهبت تو پرورش یافتم و از ثدی عنایت
شیرخوارم و در آغوش رحمت در نشو و نمایم. ای خداوند
هر چند مستمندم ولی هر مستمندی به عنایت تو ارجمند
است و هر توانگری بی الطافت فقیر و حاجتمند. ای پروردگار
تأییدی فرما که این حمل اعظم را قدرت تحمل ماند و این
عنایت کبری را محافظه توانم زیرا قوه امتحان شدید است
و سطوت افتتان عظیم کوه گاه گردد و جبل خردل شود تو
آگاهی که در ضمیر جز ذکرت نجویم و در قلب جز محبت
نخواهم بر خدمت احبایت قائم نما و بر عبودیت آستان
دائم کن. توئی مهربان و توئی خداوند کثیر الاحسان.

هُوَالله

ای پروردگار یاران در هر گوشه و کنار در تحت تهدید بیگانه
و اغیارند از جان بیزار و از هر فکری در کنارند روی توجویند
و سوی تو پویند راز تو گویند. ای دلبر مهربان بیچارگان را از
بیگانگان در صون حمایت حفظ و صیانت فرما و افتادگان
را به ید قدرت بلند فرما و بی نصیبان را به فیض قدیم بهره
فراوان بخش محرومان را محرم اسرار کن و مشتاقان را به
موهبت دیدار پرور و بنواز زیرا اسیر آن زلف مشکبارند و در
هر دم صد جان نثار نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده
و بخشنده و بینا.

هُوَالأَبهى

ای خداوند بی‌مانند ما بندگان خاکساریم و تو بزرگوار
گناه‌کارانیم و تو آمرزگار اسیر و فقیر و حقیریم و تو مجیر و
دستگیر موران ضعیفیم و تو سلیمانِ پُرحشمتِ سریرِ فلکِ
اثیر محض فضل حفظ فرما و صون و عون خویش دریغ
مفرما. خدایا امتحانت شدید است و افتتانت هادم بنیان زُبُر
حَدید ما را حراست کن و قوَّت بخش مسرور فرما شادی
ده و چون عبدالبهاء بر عبودیت آستان موفق نما.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار این یاران را بنواز و به آتش عشق بگداز و
به رازت دمساز نما موهبت ملکوت ابهت رایگان کن و
رحمت افق اعلایت شایان فرما زیرا منجذب جمال نورانیند و
زنده از نفس رحمانی سبزه چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان
معرفت آواره تواند و بیچاره تو افتاده تواند و دلدادۀ تو در
ظلّ جناح احدیت از امتحانات شدید حفظ فرما و در پناه
رحمانیت از حوادث زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا
و توئی حاضر و بینا.

هُوَالله

ای خداوند مهربان ما اسیر دام هوائیم و حقیر در دست
اوهام عجز صرفیم و فقر بخت ناتوانیم و نادان پریشانیم و
بی سامان مستمندیم و بی پیوند افتاده‌ایم بیچاره‌ایم توئی
یزدان مهربان رحمی کن فضلی بنما جودی کن عفوئی بفرما
تأییدی مبذول دار و توفیقی احسان کن تا به قوت تو به
خدمت پردازیم مطیع امرت شویم و مُنقاد حُکمت گردیم
دل به نار محبتت افروزیم و چون پروانه حول شمع موهبت
بال و پرسوزیم دیده از غیر تو دوزیم و توجه به آستان مقدّست
اندازیم تا آنکه در انجمن ملاً اعلایت با رخی تابان و جبینی
مبین و قلبی تابناک و روحی مستبشر مبعوث گردیم. توئی
قادر و توانا و توئی عالم و دانا.

هُوَاللَّهُ

ای خداوند بیهمتا ای ربّ الملکوت این نفوس سپاه
آسمانی تواند امداد فرما و به جنود ملاً اعلیٰ نصرت کن تا
هر یک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به محبت الله و
نورانیّت تعالیم الهی فتح کنند. ای خدا ظهیر و نصیر آنها
باش و در بیابان و کوه و درّه و جنگلها و دریاها و صحراها
مونس آنها باش تا به قوّت ملکوتی و نفثات روح القدس فریاد
زنند. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دانا و شنوا و بینا.

عع

هُوَاللّٰهُ

یکتا خداوند مهربانا هر چند استعداد و قابلیت مفقود است
و مشکلات استقامت در بلایا غیرمحصور ولی قابلیت و
استعداد امریست موهوب تو خدایا استعداد بخش و قابلیت
ده تا به استقامت کبری موفق آئیم و از این جهان و جهانیان
درگذریم و نار محبت برافروزیم و مانند شمع بسوزیم و
بگدازیم و روشنی بخشیم. ای رَبِّ ملکوت از این جهان
اوهام برهان و به جهان بی پایان برسان از عالم ناسوت بیزار
کن و به مواهب ملکوت کامکار فرما از این نیستی هستی نما
برهان و به هستی حیات ابدیه موفق فرما سرور و شادمانی
بخش و خوشی و کامرانی عطا فرما دلها را آرام بخش و
جانها را راحت عطا کن تا چون به ملکوت صعود نمائیم به
لقایت فائز گردیم و در انجمن بالا مسرور و شادمان باشیم.
توئی دهنده و بخشنده و توانا.

عع

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند مهربان مور ضعیفم حشمت سلیمانی بخش ذرّه
فانیم از پرتو شمس حقیقت نمایان فرما قطره‌ام امواج دریا
بخش پشاهام عقاب اوج عزّت فرما ذلیم در ملکوت عزیز
کن بی نام و نشانم نشان تأیید بخش.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

پاک یزدانا تأییدی بخش و توفیقی فرما تا بیگانه و خویش
فراموش کنیم و از هر ذکری خاموش گردیم و از نسائم ریاض
تقدیست به جوش و خروش آئیم. ای پروردگار بنده خویش
را آیتی باهره فرما و رایتی مشتهره نجمی بازغ کن و کوكبی
بارق هر دردی را درمان کن و هر زخمی را مرهم لطف و
احسان هر جمعی را شمع روشن کن و در هر انجمنی طوطی
خوش سخن.

هُوَاللّٰهُ

پروردگارا آمرزگارا این بندگان را پناه توئی واقف اسرار
و آگاه توئی جمیع ما عاجزیم و تو مقتدر و توانا جمیع ما
گناهکاریم و توئی غافر الذنوب و رحیم و رحمن. پروردگارا
نظر به قصور ما منما به فضل و موهبت خویش معامله کن
خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان عجز ما
بسیار است ولکن تأیید و توفیق تو آشکار پس تأیید ده و
توفیق بخش و ما را به آنچه سزاوار درگاه تست موفق نما
دلها را روشن کن و چشمها را بینا نما و گوشها را شنوا کن
مردگان را زنده فرما و مریضان را شفا بخش فقیران را غنی
نما و خائفان را امنیّت بخش و ما را در ملکوت خویش قبول
نما و به نور هدایت روشن کن. توئی مقتدر توئی توانا توئی
کریم توئی رحیم و توئی مهربان.

هُوَالأَبهى

ای خداوند مهربان این اسیران زنجیر محبت را دستگیر شو
و ملجأ و پناه و مجیر نفحات قدس از گلشن عنایت بفرست
و ساحت دلها را گلستان موهبت کن و چمنستان حقیقت
نما از غیر خود بیزار کن و به راز و نیاز دمساز فرما مور حقیر
را سلیمان اقلیم جلیل کن و ذره فقیر را امیر اوج اثیر فرما
قطره را موهبت بحر بخش و سبزه را طراوت و لطافت شجره
اخضر عطا فرما کلّ یاران تواند و بندگان درگاه تو فضل و
جود مبذول دار و در این یوم مسعود تأیید مخصوص مشهود
کن. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان.

هُوَاللّٰهُ

پروردگارا هر چند مور ناتوانیم ماه تابان گردان پشه ذلیم
پادشه جلیل فرما چاه افتاده‌ایم عزیز مصر فرما بیچاره‌ایم
قوی عصر فرما محتاج و مضطربیم غنی و توانگر نما جز تو
نخواهیم و به غیر از تو نجوئیم.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای پروردگار تأیید بخش و توفیق عنایت کن این ابر تیره را
زائل کن و این غمام هائل را متلاشی و باطل نسیم جانبخش
بوزان و دل‌های مرده را زنده کن باران رحمتی ببار و این گیاه
افسرده را تر و تازه نما حدائق قلوب را جنت ابھی کن و
حقایق نفوس را ریاض ملأ اعلیٰ ای قدیر رجای این عبد را
پذیر. توئی توانا توئی بی‌همتا.

عع

هُوَاللّٰهُ

خداوندا رحیما کریما عبادت را به سرچشمهٔ حیات ابدی
برسان و از عذب فرات سرشار کن بندگانت را در خلد برین
داخل فرما و از شراب کأس کان مزاجها کافورا سرمست کن
قلوب را به انوار رحمت نورانی کن دیده‌ها را روشن نما
نفوس را مصدر الهامات حیّ قدیر فرما و ارواح را مهابط
علوم لدنی ابواب ملکوتی را بر قلوب یارانت باز کن و به
هدایت کبری فائز نما فقیران را از بحر بخششت نصیبی
ده و از رشحات دریای بی‌نهایت، وجودات عالم کون را
طراوت و لطافت بخش. توئی بخشنده و توانا و توئی دانا و
بینا.

هُوَاللّٰهُ

ای بی نیاز یاران را محرم راز نما و آئینه غماز کن تا در جهان
نغمه و آوازی اندازند و آهنگ و شهنازی بنوازند که جهان
وجود به اهتزاز آید و دلبر وحدت انسانی پرده براندازد و در
انجمن عالم جلوه نماید.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای خداوند فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و
صیانتی تا نهایت ایام ممتاز از بدایت گردد و خاتمة الحیات
فاتحة الالطاف شود هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس
عفو و رحمتی مبدول گردد تا آنکه در ظلّ ممدود تحت لواء
معقود به ملکوت محمود راجع گردم. توئی منّان و مهربان و
توئی ربّ الجود و الاحسان.

عع

هُوَ الْأَبْهَى

ای قویّ قدیر کلّ در قبضه قدرت اسیریم تو مجیر تو دستگیر
عنایتی کن و موهبتی فرما ابواب فضل بگشا و نظر الطاف
افکن نسیم جانبخش بفرست دلهای مشتاق را زنده کن
دیده‌ها را روشن کن و ساحت دلها را رشک گلزار و چمن
نما بشارت به ارواحِ ده و مسرت به جانها بخش قوت قدیمه
ظاهر نما و قدرت عظیمه باهر طیور نفوس را در هوای دیگر
پرواز ده و محرمان ناسوت را به اسرار ملکوت دمساز کن قدم
ثابت بخش قلب راسخ عطا فرما ما گنه‌کاریم تو آمرزگار ما
بندگانیم تو پروردگار بی سرو سامانیم تو ملجأ و پناه بر نشر
نفحات تأیید کن بر اعلیٰ کلمات توفیق بخش بی سران را
سروران کن بینوایان را گنج روان بخش ناتوانان را توانائی
بخش و ضعیفان را قوت آسمانی ده. توئی پروردگار توئی
آمرزگار توئی داور کردگار.

هُوَالأَبهى

ای پروردگار این بیچارگان را چاره‌ئی بخش و این
درماندگان را درمانی عطا فرما و این بی‌نوایان را فضل و
احسانی عطا فرما این نفوس ضعیفه را در پناه حضرتت
پناهی ده و این فقیران نحیف را قوتی عنایت فرما.

عع

هُوَالأَبهى

ای پروردگار توئی آمرزگار و ملجأ و پناه هر گناهکار
بیچارگانیم چاره بخش دردمندانیم درمانی عطا فرما بی سر
و سامانیم ملجأ و پناهی ده گمگشتگانیم به درگاه هدایت
فرما آوارگانیم منزل و مأوایی عطا فرما. توئی مهربان توئی
رحمن توئی منان توئی مستعان.

عع

هُوَالأُبْهَى

خدایا این طیر حدیقه عرفان را بال و پری عطا فرما و این پروانه شمع محبت را قرب و منزلتی احسان کن این سرگشته صحرای عشق را به خلوتخانه عنایت دلالت نما و این تشنه بادیه هجران را به بحر لقاء روحانی بکشان این بنده قدیم را ندیم بزم الطاف کن و این فقیر مسکین را به غنای حقیقی مستغنی گردان.

اللہ ابھی

ای پروردگار مہربان ای یزدان پاک این بندہ ضعیف را در
ظل کلمہ رحمانیت مقررده و این عبد حزین را در سایہ شجرہ
سرور مأوی بخش این بی نصیب را نصیبی عنایت کن و این
بی بهره را بهره‌ای بخش از بحر عنایت قطره‌ای برسان و از
نہر موهبت رشحہ‌ای مبدول کن تا حیات تازہ یابم و موهبت
بی اندازہ جویم.

عع

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار هر چند عاجز و ناتوانم ولی تو قادر و توانا
شرمنده‌ایم درمانده‌ایم و عاجز مانده‌ایم تو معینی تو ظهیری
تو دستگیری آنچه سزاوار پروردگاریست شایان فرما و آنچه
شایان آمرزگاریست ارزان کن. توئی بخشنده و دهنده و
حفظ کننده و مهربان.

عع

هُوَالأَبهى

ای پروردگار مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم
طیور خاکساریم ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی پرو و بالیم ولی
اوج عظیم طلبیم و رُفرف اعلی آرزو نمائیم پس عنایتی
مبذول فرما و قوتی ببخش تا جناح فلاح برویانیم و در این
فضای غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهایت دمساز
گردیم....

هُوَ الْأَبْهَى الْأَبْهَى

ای محبوب یکتا و پروردگار بیهمتا محض فضل و جود
درهای بخشش گشودی و رخ برافروختی و دلها ربودی و
غمها زدودی و نغمه‌ئی سرودی که قلبها مفتون شد و عقلها
مجنون چه شد که پرده‌نشین گشتی و روی دل‌نشین پوشیدی
جانها محزون شد و یاران دلخون بساط سرور برچیده شد
و شاخ جبور پژمرده و خمیده نسیم جانبخش ساکن شد و
آب حیات راکد پس ای پروردگار نفحات اسرار از ملکوت
ابهایت منتشر نما و پرتوانوار از جبروت اعلایت لامع فرما تا
آفاق معطر و منور ماند.

هُوَاللَّهُ

ای دلبر مهربان یاران را مونس دل و جان باش در هر دمی
از بحر الطاف شبنمی بفرست و در هر نفسی باده تازهای
بنوشان و می پرست بگردان تا جام صهبای الهی به دست
گیرند و طالبان را سرمست کنند و عاشقان را نشئه باده است
بخشند.

عبدالبهاء عباس

هُوَالأَبهى

ای جمال ابهی ای حضرت کبریا این سرگشتگان، گمگشتگان
کوی تواند و سودائیانِ روی تو عنایتی فرما تا قلوب جلوه‌گاه
روی تو گردد و صدور، آتشکده‌های پُرسوز. انوارِ اسرار بر
سرائر بتابد و پرتو بینش بر بصائر زند.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای پروردگار ای آموزگار یاران را مانند گل و ریحان به رشحات
سحاب عنایت طراوت و لطافت بخش و مرغان چمنستان
حقیقت را به آهنگ ملکوت احدیت به نغمه و آواز آر
تشنگان بادیۀ اشتیاق را از ماء معین در این بهشت برین
سیراب کن و پروانه‌های عشق و محبت را حول سراج و هاج
پرواز ده و به حرارت شعله نورانیه بال و پر بسوزان تا مظهر و
لُنْحِيْنَهُ حَيَاتًا طَيِّبَةً گردند و مطلع بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
شوند.

ایمان و عرفان، توکل و انقطاع

فهرست

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار عالمیان در این جهان به آتش عشقت بسوز و
در آن جهان به مشاهده روی مه رویت کامران فرما در این
عالم چون شمع بگداز و در آن عالم چون پروانه گرد شعله
جمالت پرواز ده. توئی خجسته دلبر من و توئی فرخنده یار
جان پرور من.

۴۴

هُوَالأَبهى

ای پروردگار این بنده در کفه منیعت مأوی ده و
در ملاذ رفیعت مسکن بخش شمع روشنی در قلبش برافروز
و چشمه سلسبیلی از دلش جاری کن ابواب فیض بر رخش
برگشا و اسرار غیب به فؤادش الهام فرما. توئی نصیر توئی
ظہیر توئی مُجیر توئی دستگیر. چون به تو پردازیم از همه چیز
آزادیم چون به پیمان و ایمان تو ثابت و استواریم از غیر تو
بیزاریم پروردگارا رحم کن استقامت بخش.

۴۴

هُوَالله

ای پروردگار این گنهکار شرمسار است و گرفتار هواجس این
خاکدان تاریک و تار ای محبوب مهربان از نفس و هوی
بیزار کن و گرفتار محبت خویش فرما تا از خود بگذرم روی
تو جویم خوی تو خواهم راه تو پویم از هر قیدی آزاد شوم
و از هر غمی و بلائی دلشاد گردم. توئی بخشنده و دهنده و
مهربان.

عع

هُوَ الْحَقُّ الْقَيُّومُ

إلهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی جز تو نجسته و نجویم
و به غیر از سبیل محبت راهی نیموده و نپویم در شبان
تیره نومیدی دیده‌ام به صبح امید الطاف بی نهایت روشن
و باز و در سحرگاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و
کمالت خرم و دمساز هر قطره‌ای که به عواطف رحمانیت
موفق بحریست بیکران و هر ذره‌ای که به پرتو عنایت مؤید
آفتابست درخشنده و تابان پس ای پاک یزدان من این بنده
پُرشور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در
عالم هستی ثابت و مستقیم بدار و این مرغ بی پروبال را در
آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و
ماوائی عطا فرما.

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند مهربان بصیرتها را روشن کن گوشها را شنوا نما
دلهای مرده را زنده کن نفوس خواب را بیدار نما خداوندا
ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت
کن. خداوندا عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال
تو باشیم جویای شمس حقیقت باشیم از هرافقی طالع شود
طالب رائحه طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد خداوندا ما را
از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان
تا در سبیل تو سلوک نمائیم جستجوی تو نمائیم و مشاهده
جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر
و توانا.

هُوَ الْأَبْهَى الْأَبْهَى

ای بی نیاز آن مرغان چمن را پرواز ده و آن بلبلان گلشن را
به غزلخوانی دمساز نما و به آواز ملکوت ابهت همراه کن
وجد و طربی در قلوب انداز و جذب و ولهی در افئده و ارواح
افکن تا هریک با چنگ و دف و نی هی هی آغاز نماید و
صفت حمد تو گوید تا هیکل عالم به اهتزاز آید و به هلهله و
لوله آهنگ چنگ الهی را به ملکوت ابهی رساند.

عع

هُوَاللّٰهُ

الهی گواهی که آرزوی مشاهده انوار کنم و تمنای ادراک اسرار از بیگانگی بیزار نما و به یگانگی خویش آشنا و کامکار فرما غمخوارم غمگساری کن خاکسارم بزرگواری نما. یزدان مهربانم توئی، بخششی بخش که رُحْم تابنده و درخشنده گردد و زندگی پاینده میسر شود.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب
موهبت بگشا از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر
ناشایستگی آزادی بخش قمیصشان چون پیرهن یوسف
معطر کن و خُلق و خُویشان را چون جیب نسیم صبا پُرمشک
و عنبر نما به صفات رحمانیت متّصف کن و به اخلاق
روحانیان متخلّق تا آیات توحید گردند و بینات اشراق نور
ربّ فرید سبب عزّت امر تو گردند و علت بزرگواری قدر خود
تا شدّتشان به رخا مبدّل گردد و فقرشان به غنا عزّت ابدیه
یابند و موهبت سرمدیه مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه
از عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از
جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردد. انک انت القویّ
القدير.

اللّٰه اَبهى

ای متوجّه اِلَى اللّٰه چشم از جمیع ما سوی بَرَبِنْد و به ملکوت
ابهی برگشا آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب
به نظری صد هزار حاجات روا نماید و به التفاتی صد هزار
درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخمها را مرهم نهد و به
نگاهی دلها را از قید غم برهاند آنچه کند او کند ما چه توانیم
کرد یفعل ما یشاء و یحکمُّ ما یُرید است. پس سرتسلیم نه
و توکل بر ربِّ رحیم به. و البهاء علیک.

۴۴

هُوَ الْأَبْهَى

ای پروردگار توانا این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی
بخش و از دام خودپرستی رهائی دهِ جمیع ما را در پناه
عنایت منزل و مأوی ده و کلّ ما را در کفّ حفظ و حراست
و انقطاع و حرّیت از شئون نفس و هوی نجات بخش تا جمیع
متّفق و متّحد شده در ظلّ خیمهٔ یکرنگ تو آئیم و از صراط
گذشته در جنّت ابهی وحدت اصلیه داخل گردیم. اِنِّكَ اَنْتَ
الْكَرِيمُ اِنِّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْقَوِيّ الْقَدِيرُ.

۴۴

هُوَالأَبهى

ای پروردگار به آنچه سزاوار است موفق کن ای آمرزگار به
آنچه لایقست مؤید فرما این دستها به دامن عفو پیوسته و
این دلها به محبت مقید و بسته عنایت کن موهبت بخش.

عع

هُوَالله

ای معشوق این شیدائیان و مقصود این سودائیان پریشانیم
جمعیتِ خاطری عطا فرما مستمندانیم توانگر کن دردمندیم
درمانی عنایت نما مجروح و موجوعیم مرهمی مرحمت فرما
گمگشتگانیم هدایت کن تشنگانیم سیراب نما آشفته‌گانیم
راحت و سکون ده ذلیلیم پرتو عزت بخش افتاده‌ایم دستگیر
شو آزرده‌گانیم شادمانی بخش افسرده‌گانیم حرارت و شوقی
عطا فرما به خدمت دوستانت موفق نما و به عبودیت یاران
مؤید کن. اینست منتهی آرزوی دل و جان اینست منتهی
آمال جنان و وجدان.

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند بیهمتا این نفوس پُرشوق و وله را به رحمت
بی‌پایان موفق فرما تا مواهب عالم انسانی گردند و مظاهر
الطاف ربّانی در گلستان هدایت گلهای پُراطوت گردند و
در ریاض حقیقت درختانی در نهایت لطافت. ای خداوند
بر خدمت خویش موفق فرما و از بیگانه و خویش مستغنی کن
در هر دمی شبنمی فرست تا گلشن قلوب سبز و خرم گردد و
ریاحین فیض عنایت بروید.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای پدر آسمانی جنود ملکوت داری و ملائکه روحانی ما
بیچارگان مرغ بال و پر شکسته‌ایم ولی در فضای ملکوت،
پرواز آرزو کنیم ماهیان تشنه لبیم دریای آب حیات طلبیم
پروانه عالم ناسوتیم آرزوی سراج لاهوت داریم در نهایت
ضعف و بی‌قوتیم ولی خود را به صف عالم میزنیم. پس ای
ربّ الجنود تأیید فرما تا سپاه انوار ظفریابد و لشکر ظلمات
شکست خورد ما را به خدمت ملکوت موفق دار و بر اسرار
الهی مطلع نما و به سلطنت سرمدی بشارت ده و از حیات
ابدیه بهره و نصیب بخش زبان را گویا کن و دیده‌ها را بینا
نما تا مشاهده عالم ملکوت کنیم و به نطق فصیح ستایش
جمال و کمال تو نمائیم. توئی بخشنده و مهربان.

عبدالبهاء عباس

هُوَالأَبهى

خدایا این چه فضیلت است که عنایت فرمودی و این چه احسانیت است که ارزان کردی قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفوس را رابطهٔ شخص منفرد اجسام را احساس جان عنایت کردی و اجساد را ادراک روح و روان این ذرات ترابیه را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطرات فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانائی که گاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را جلوه‌گاه آفتاب پُرشکوه فرمائی لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نمائیم تا در بین ملاً امکان شرمسار نگردیم.

الله ابھی

ای خدای یگانه این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما
و این عبد خود را در بین ملاً امکان به تاج عبودیت سرفراز
کن این بینوا را به صرف عنایت پُرنوا کن و این بی سر و
سامان را در پناه خویش سرو سامانی بخش از کأس انقطاع
بنوشان و از جام عنایت سرمست نما بنده ضعیف چه تواند
و پشه نحیف چه پرواز نماید اوج عزت کجا، بال و پرم مرغ
ذلت کجا. ای پروردگار تو تأیید فرما تو توفیق بخش. انک
انت الکریم.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار دلها را روشن کن ای خداوند مهربان قلوب
را رشک گلزار و گلشن فرما ای محبوب بیهمتا نفعات
عنایت بوزان انوار احسان تابان کن تا دلها پاک و پاکیزه
شود از تأییدات تو بهره و نصیب گیرد این جمع راه تو پویند
راز تو جویند روی تو بینند خوی تو گیرند ای پروردگار الطاف
بی پایان ارزان فرما گنج هدایت رایگان کن تا این بیچارگان
چاره یابند. توئی مهربان توئی بخشنده توئی دانا و توانا.

اتّحاد و محبّت، انس و الفت

فهرست

ای پروردگار آرزوی این بنده درگاه آنست که یاران باختر را
بینم دست در آغوش دوستان خاور نموده‌اند و افراد انسانی
به نهایت مهربانی اعضای یک انجمنند و قطرات یک بحر
طیور یک گلشنند و لآلی یک دریا اوراق یک شجرند و
انوار یک شمس. توئی مقتدر و توانا و توئی قادر و عزیز و
بینا.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

خداوندا مهربانا کریم رحیما ما بندگان آستان توئیم و جمیع
در ظلّ وحدانیّت تو آفتاب رحمت بر کلّ مُشرق و ابر عنایت
بر کلّ می بارد الطافت شامل کلّ است و فضلت رازق کلّ
جمیع را محافظه فرمائی و کلّ را بنظر مکرمت منظور داری.
ای پروردگار الطاف بی پایان شامل کن نور هدایت برافروز
چشم‌ها را روشن کن دلها را سرور ابدی بخش نفوس را
روح تازه ده و حیات ابدیّه احسان فرما ابواب عرفان بگشا
نور ایمان تابان نما در ظلّ عنایت کلّ را متحد کن و جمیع
را متّفق فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند امواج یک
دریا گردند اثمار یک شجر شوند از یک چشمه نوشند از
یک نسیم به اهتزاز آیند از یک انوار اقتباس نمایند. توئی
دهنده و بخشنده و توانا.

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند مهربان به فریاد بیچارگان برس ای پاک یزدان بر
این اطفال یتیم رحم فرما ای خداوند بی نیاز این سیل شدید
را قطع کن ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش
کن ای دادرس به فریاد یتیمان برس ای داور حقیقی مادران
جگرخون را تسلی ده ای رحمان رحیم بر چشم گریان و دل
سوزان پدران رحم نما این طوفان را ساکت کن و این جنگ
جهانگیر را به صلح و آشتی مبدّل فرما. توئی بینا و شنوا.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

خداوندا آمرزگارا این مجمع را تأیید کن و توفیق بخش تا
عالم را به نور اتحاد روشن نماید شرق و غرب را به پرتو
محبت و نور اتفاق منور کند. ای بخشنده مهربان دلها را به
نفثات روح القدس زنده کن و رویها را مانند شمع افروخته
نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند. توئی
بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان.

عع

هُوَاللّٰهُ

خداوندا این نفوس را یاری کن و بزرگواری بخش و از هر
قیدی عاری فرما و نگاهداری کن و دلداری ده و به جمیع
آمال و آرزو برخورداری بخش. توئی بخشنده و دهنده و
مهربان.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای پروردگار این جمع را شمع روشن فرما و نفوس را تأیید کن رویها را نورانی نما و خویها را گلزار و گلشن فرما جانها را به نفثات قدس زنده کن و نفوس را به هدایت کبری نفیس فرما بخشش آسمانی مبذول کن و موهبت رحمانی شایان فرما و در کهف حفظ و حمایت خویش محفوظ و مصون دار الطاف بی پایان شامل کن و عنایات مخصوصه کامل فرما. توئی دهنده و بخشنده و دانا.

عع

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار ای آمرزگار این محفل به ذکر تو آراسته و این جمع توجّه به ملکوت تو نموده دلها پُرمسرت است و جانها در نهایت بشارت. خداوند مهربانا این جمع را شادمان کن و در ملکوت خویش کامران فرما گناه ببخش پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر. توئی دهنده توئی بخشنده و مهربان.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار این انجمن را روشن نما و این جمع را شمع
عالم کن زیرا نیتشان خیر عمومی است و مقصدشان خدمت
به عالم انسانی ای خداوند مهربان چنین انجمن سزاوار
الطاف است و چنین جمع لایق فضل و موهبت بی پایان.
توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی خداوند یکتا و بیهمتا.

۴۴

هُوَاللَّهُ

ای پروردگار این جمع را مظهر عواطف رحمانیه فرما و مطلع الطاف سبحانیه نما از بحر بیکران سیراب کن و از آفتاب مطلع حقیقت روشن و تابان نما فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر عنایتی کن که آثارش در مُلک سرمدی مشتهر. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان انک انت الکریم المتعال.

عع

رفع حزن و اندوه

فهرست

هُوَالَا بَهِي الْاَبْهِي

ای یزدانِ پاک این بندهٔ دیرین را اندوهگین مخواه شادمانی
آسمانی بخش و فریزدانی بده ستارهٔ روشن نما و گل گلشن
کن سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه رویش را
بدرخشان و گوهرش را بیفشان جانش را مشکبار کن و دلش
را گلزار نما تا بوی خوی خوشش جان پرور گردد و پرتو رویش
افزون از ماه و اختر. توئی مهربان و توئی بخشنده و توانا.

بِسْمِهِ الْمُهَيَّمِنِ عَلَى الْأَسْمَاءِ

قُلْ إِلَهِي إِلَهِي، فَرِّجْ هَمِّي بِجُودِكَ وَعَطَائِكَ، وَأَزِلْ كُرْبَتِي
بِسُلْطَنَتِكَ وَاقْتِدَارِكَ. تَرَانِي يَا إِلَهِي مُقْبَلًا إِلَيْكَ حِينَ إِذْ
أَحَاطْتُ بِبِي الْأَحْزَانُ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ. أَسْأَلُكَ يَا مَالِكَ
الْوُجُودِ وَالْمُهَيَّمِنِ عَلَى الْغَيْبِ وَالشُّهُودِ، بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ
سَخَّرْتَ الْأَفْئِدَةَ وَالْقُلُوبَ وَبِأَمْوَاجِ بَحْرِ رَحْمَتِكَ وَإِشْرَاقَاتِ
أَنْوَارِ نَيْرِ عَطَائِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ مَا مَنَعَهُمْ شَيْءٌ مِنَ
الْأَشْيَاءِ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ، أَيُّ
رَبِّ تَرَى مَا وَرَدَ عَلَيَّ فِي أَيَّامِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَشْرِقِ أَسْمَائِكَ
وَمَطْلَعِ صِفَاتِكَ أَنْ تُقَدِّرَ لِي مَا يَجْعَلُنِي قَائِمًا عَلَى خِدْمَتِكَ
وَنَاطِقًا بِشَنَائِكَ. إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ.
ثُمَّ أَسْأَلُكَ فِي آخِرِ عَرَضِي بِأَنْوَارِ وَجْهِكَ أَنْ تُصْلِحَ أُمُورِي
وَتَقْضِيَ دِينِي وَحَوَائِجِي إِنَّكَ أَنْتَ الَّذِي شَهِدَ كُلُّ ذِي لِسَانٍ

بِقُدْرَتِكَ وَقُوَّتِكَ، وَذِي دِرَايَةٍ بِعِظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ السَّمِيعُ الْمُجِيبُ.

هُوَالأَبهى

پروردگارا آمرزگارا جمعى هستيم پريشانِ تو هستيم هر چند
بيگانه ايم ولى خویشانِ تو هستيم بى سر و سامانيم و بى چاره
و بى درمان خسته هر تيريم و زخمى هر شمشير درمانى
از داروخانه رحمت عنایت فرما و مرهمى از درياق فاروق
اعظمت مرحمت کن تا اين دلهای شکسته را سلوتى حاصل
گردد و اين جانهای پژمرده افسرده را راحت و مسرتى ميسر
شود اين شام احزان را صبح روشنى از پى درآيد و اين سم
نقيع را شهد بديعى تسکين بخشد.

عبدالبهاء ع

هُوَالأُبْهَى

ای پروردگار مستمندانیم مرحمتی کن و فقیرانیم از بحر غنا
نصیبی بخش محتاجیم عاجی ده ذلیلانیم عزتی بخش
جمیع طیور و وحوش از خوان نعمت روزی خوار و جمیع
کائنات از فیض عنایت بهره‌بردار این ضعیف را از فیض
جلیل محروم مفرما و این ناتوان را از توانائی خویش عنایتی
بخش رزق یومی را رایگان ده معیشت ضروری را برکتی
احسان فرما تا مستغنی از دون تو گردیم و بکلی به یاد تو
افتیم راه تو پوئیم روی تو جوئیم راز تو گوئیم. توئی توانای
مهربان و توئی رازق عالم انسان.

هُوَالأَبهى

پروردگارا مور ضعيفم و پشهٔ نحيف بال و پرى شكسته دارم
و پائى از دورى باديۀ حسرت خسته چشم گريانم بين و
جگر سوزانم نظر فرما آه و فغانم جمع طيور را به فرياد آورده
و آه پُر حسرت قلبم چون شعلهٔ سوزان به جان جهان آتش
زده از افق ابهايت فيض انوار كن و از ملكوت اعلايت بذل
اسرار نما. اى نيسان عنايت بارش و ريزش ارزان كن و اى
شمس حقيقت تابش و درخشش فراوان بنما شايد اين قلوب
افسرده تازه و زنده گردد و اين نفوس مرده حيات بى اندازه
يابد.

طلب عفو و بخشش از درگاه پروردگار

فهرست

الها معبودا

از توام و بتو آمدم قلبم را بنور معرفت منیر فرما توئی مقتدری
که قدرت عالم و امم از اقتدارت باز نداشت از یک اشراق
از نیر کرمت دریا های گرم ظاهر و از یک تجلی از نیر جودت
عالم وجود موجود. ای پروردگار آنچه لایق ایامت نیست
اخذ نما و آنچه قابل است عطا فرما. توئی آن بخشندهئی که
بخششت محدود بحدود نه عباد توئیم ترا میجوئیم و از تو
میطلبیم. توئی فضال و توئی بخشنده.

الها معبودا مسجودا

شهادت میدهد عبد توبه و حدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع
فضلت مسئلت مینماید آنچه را که سزاوار بخشش تو است و
ظهور و بُروزش از دفتر عالم محو نشود سحاب او هام، او را
ستر ننماید و غمام ظنون، او را از اشراق باز ندارد. ای کریم
هر صاحب بصر و سمعی برگرمت شهادت داده و بر سبقت
رحمت گواه عبادت را از دریای شناسائی محروم منما و از
انوار وجه ظهور منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الا
انت العزيز المنان.

یا حسین بگو

پروردگارا توئی پادشاهی که امرت را جنود عالم منع نمود
و سطوت امم از اقتدارت باز نداشت توئی آن کریمی که
عصیان اهل امکان، ملکوت غفرانت را منع نمود رحمت
بمثابه غیث هائل بر عاصی و مطیع نازل ای رحیم بندگان
را از دریای بخشش منع منما و محروم مساز. توئی بخشنده
و مهربان.

الها معبودا مقصودا محبوبا

وجهم بانوار وجهت متوجه و قلبم بشرط عنایت مقبل و از تو
میطلبم عطاء قدیمت و بخشش جدیدت را. توئی آن توانائی
که بیک کلمه آسمان و زمین را خلق نمودی و مظاهر قوت
و قدرت و عظمت و فضل و جود و کرمّت قرار فرمودی تا
صاحبان بصر آثار قدرت و عظمت را در کلّ اشیاء ملاحظه
نمایند و بر بزرگیت گواهی دهند. ای خدا فقیر را از باب
غنایت محروم منما و از دریای بخششت منع مکن. توئی
صاحب عطا و قادر و توانا و المهیمن علی الاسماء.

این مظلوم عوض کل استغفار می نماید و یقولُ

الهی الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که
عفوت عالم را احاطه نموده بر عبادت رحم فرما و تأیید
نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است به
یک کلمهٔ علیا بحر بخششت موج و به یک اشراقِ نیر امر،
آفتاب جود و عُفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تواند و به
امید کرمت زنده‌اند دست قدرت از جیب قوت برآر و این
نفوس در گِل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان
جود. لا اله الا انت العزیز الوهابُ.

الها پروردگارا محبوبا مقصودا

بتو آمده‌ام و از تو می‌طلبم آنچه را که سبب بخشش تو است
توئی بحر جود و مالک وجود. لازال لحاظت علّت ظهور
بخشش و عطا عباد خود را محروم منما و از بساط قدس
و قرب منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الاّ أنت
العزیز المنان.

إلهي إلهي اسئلكَ بِدِماءِ عاشقيكَ الَّذِينَ اجْتَذَبَهُمْ بِيَانِكَ
الأحلى بِحَيْثُ قَصَدُوا الذَّرْوَةَ العِليا مَقَرَّ الشَّهادَةِ الكُبرى و
بالاسرار المكنونة في علمك و باللئالي المخزونة في بحر
عطائك أن تغفر لي و لأبي و أمي و انك انت ارحم
الراحمين لا اله الا انت الغفورُ الكريم. اي ربّ ترى جوهرَ
الخطاءِ اقبل الى بحرِ عطائك والضعيف ملكوت اقتدارك و
الفقر شمس غنائك اي ربّ لا تُخَيِّبُهُ بجودك و كرمك و
لا تمنعه عن فيوضات ايامك و لا تطرده عن بابك الذي
فتحتهُ على من في ارضك و سماءك. آه آه خطيئاتي
منعتني عن التقرب الى بساط قدسك و جريراتي ابعدتني
عن التوجه الى خباء مجدك قد عملت ما نهيتني عنه و تركتُ
ما امرتني به. اسألكَ بِسلطانِ الأسماء ان تكتب لي من
قلم الفضل و العطاء ما يقربني اليك و يطهرني عن جريراتي
التي حالت بيني و بين عفوك و غفرانك انك انت المقتدر
الفياض لا اله الا انت العزيز الفضال.

هُوَاللّٰهُ

ای یزدانِ مهربان سراپا گنھیم و خاک رهیم و متضرّع در هر
صبح گھیم ای بزرگوار خطا پوش و عطا بخش وفا بفرما
صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و پرتو موهبت بیفزاید شمع
غفران برافروزد و پرده عصیان بسوزد صبح امید دمَد ظلمت
نومید زائل گردد نسیم الطاف بوزد و شمیم احسان مرور
نماید مشامها معطر گردد رویها منور شود. توئی بخشنده و
مهربان و درخشنده و تابان.

۴۴

هُوَاللّٰهُ

ای حیّ توانا پناه گنه‌کاری و بخشنده و آمرزگار ما غرق
خطائیم و تو دریای عطا ما در ظلمات عصیانیم و تو آفتاب
فضل و احسان پروردگارا نظر به قصور مفرما و بحسب
لیاقت و عجز موفور ما معمول مدار ذلیم و علیل عزیزکن
جلیل فرما درمان بخش دریاق اعظم عفو و غفران مبذول دار
آمرزگارا به عصیان مگیر هر حیرانی را تو مجیری و دستگیر
از عالم ناسوت بزار نمودی و در جهان ملکوت کامکار کن
از حیّز آفات رهانیدی به گلشن الطاف برسان. توئی بخشنده
و دهنده و رهاننده و پاینده و مهربان.

هُوَاللّٰهُ

ای یزدان مهربان غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما سراسر
قصورم از دام غرور رهائی بخش جسمانیم روحانی نما
امکانیم رحمانی کن تشنه ماء معینم به عین تسنیم دلالت
فرما مشتاق دیدارم مشاهده انوار میسر فرما از خود بیزارم
گرفتار خویش کن از عالمیان در کنارم نفحه زلف مشکبار به
مشامم آر سرگردانم سرو سامان بخش بیچاره‌ام آواره‌ام پناه
ده مشتاقم به وثاق وصال درآر در احتراقم نور اشراق ببار
ضعیفم توانا نما فقیرم از کثر غنا عطا کن دردمندم درمان
ده جریحم مرهم عطا کن گرفتارم رهائی بخش پُرگناهم از
ذلت عصیان برهان در ظلّ عنایت مسکن بخش و بصرف
موهبت معامله فرما تا پی به جهان دیگر بَرَم و به کشور دیگر
رهبر شوم از کأس طهور سرمست گردم و در میخانه محبت
می پرست شوم. توئی قادر و توانا و توئی کریم و رحیم و
پُر عطا.

هُوَاللّٰهُ

ای آمرزگار هر چند سزاوار عذابیم و مستحقّ عِقَابِ ولی تو
خداوند مهربانی و کوکب ساطع افق غفران پرتوی مبدول
دار و اشراقی بفرما تا ظلمات دیجور زائل گردد و اشراقات
نور باهر شود. توئی مقتدر و توانا و توئی ناظر و بینا. لک
الشّکر و لک الحمد و الثّناء.

۴۴

ای پروردگار خطیئات این نفوس را عفو کن و سیئات این
ذلیلان را ستر نما تو واقفی تو عالمی تو مطلعی تو آگاهی
ما گنه‌کاریم ما خطاکاریم ما غافلیم ما ذاهلیم تو عفوئی تو
غفوری تو بزرگواری تو آمرزگاری. انک انت التّواب السّتار.

عع

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار هر چند گناه کاریم ولی غفران تو اعظم از هر گناه
هر چند ظلمت عصیان ظاهر و عیان ولی کوکب رحمت
درخشنده تر از مه تابان. پرتوی، آن ظلمت را محو نماید
و موجی، آن خس و خاشاک را زائل کند. ای پروردگار ای
آموزگار بخششت آفرینش را حیات جدید بخشید و خورشید
احسانت از افق امکان بدرخشید با وجود این مواهب،
عاصیان را چه غم و چه باک جمیع ملتجی بکھف منیع
و لائذ به ملاذ رفیع موهبتی عطا فرما که سراج قلوب به
نور هدی روشن گردد و حدائق نفوس به بهار دائمی گلشن
شود. توئی بخشنده و مهربان و آمرزنده هر پُژمردۀ پُرعصیان.
انّک انت الرّحمن یا عظیم الغفران و انّک انت العفو الغفور
المُستعان.

هُوَاللّٰهُ

ای پروردگار گناه‌کارم و تو آمرزگار قاصرم و تو غافر در ظلمت
عصیانم و تو نور غفران پس ای خداوند مهربان خطا ببخش
عطا بده گناه بیامرز پناه عطا کن در چشمهٔ ایوب غوطه ده
و از جمیع علل و امراض شفا بخش پاک و مقدّس کن و
از فیض تقدیس نصیب عطا فرما تا حزن و اندوه زائل گردد
و فرح و سرور حاصل شود یأس مبدّل به امید گردد و خوف
منقلب به رجا. توئی عفو و غفور و توئی بخشنده و مهربان.

عع

هُوَاللّٰهُ

پروردگارا آمرزگارا هر چند گنهگارم ولی جز تو پناه ندارم
شکر ترا که در این آوارگی کوه و صحرا و بیچارگی و آزرده‌گی
در دریا باز به فریاد رسیدی و تأیید فرمودی و توفیق بخشیدی
و به خدمت آستانت سزاوار کردی موری را قوت سلیمانی
بخشیدی و پشه‌ئی را شیربیشهٔ رحمانی فرمودی قطره‌ئی را
موج دریا دادی و ذره‌ئی را به ذروهٔ الطاف رساندی هر چه
بود از تو بود و الاّ خاکِ ضعیف را چه قوتی و وجود نحیف
را چه قدرتی پروردگارا به گناه مگیر پناه ده عصیان مبین
غفران نما در لیاقت منگرباب عنایت بگشا. توئی مقتدر و
توانا توئی عالم و بینا.

اللہ ابھی

ای خدای پُر عطا خطا بیوش و بخشش رایگان و آمرزش
بی پایان مبذول فرما چشمها را باز و گوشها را با راز دمساز
کن تا در این کور عظیم آیات توحید تجسم نماید و حقیقت
تجربید تحقق یابد چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت
رحمانی است.

۴۴

هُوَالأَبهى

ای بندهٔ حق دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز برآر و بگو
ای پروردگار گنه‌کاریم عفو و مغفرت فرما محتاجیم از کثر
ملکوت بخششی نما آواره‌ایم در پناه لطفت مأوی بخش
بیچاره‌ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضال توئی کریم
و توانا.

۴۴

نماز و روزه

فهرست

نماز کوچک

صلاة صغيرة من زوال بزوال تلاوت میشود

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَعِبَادَتِكَ، أَشْهَدُ
فِي هَذَا الْحِينِ بِعَجْزِي وَقُوَّتِكَ وَضَعْفِي وَاقْتِدَارِكَ وَفَقْرِي
وَغَنَائِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ.

وضو

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ لَهُ أَنْ يَغْسِلَ يَدَيْهِ وَفِي حِينَ الْغَسْلِ يَقُولُ:

إِلَهِي قَوِّ يَدَيَّ لِتَأْخُذَ كِتَابَكَ بِاسْتِقَامَةٍ لَا تَمْنَعُهَا جُنُودُ الْعَالَمِ ثُمَّ
أَحْفَظْهَا عَنِ التَّصَرُّفِ فِي مَا لَمْ يَدْخُلْ فِي مَلِكِهَا، إِنَّكَ أَنْتَ
الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ.

وفي حين غسل الوجه يقول:

أَيُّ رَبِّ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ نَوْرَهُ بِأَنْوَارِ وَجْهِكَ ثُمَّ أَحْفَظْهُ
عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَى غَيْرِكَ.

نماز متوسط

صلاة وسطى كه در بامداد و حين زوال و اصیل تلاوت
میشود

وَبَعْدُ لَهُ أَنْ يَقُومَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ وَيَقُولُ:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَمْرُ وَالْخَلْقُ، قَدْ أَظْهَرَ مَشْرِقَ
الْظُّهُورِ وَمُكَلَّمَ الطُّورِ الَّذِي بِهِ أَنَارَ الْأَفُقَ الْأَعْلَى وَنَطَقَتْ سِدْرَةُ
الْمُنْتَهَى وَارْتَفَعَ النَّدَاءُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ أَتَى الْمَالِكُ
الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْعِزَّةُ وَالْجَبْرُوتُ لِلَّهِ مَوْلَى الْوَرَى وَمَالِكِ
الْعَرْشِ وَالثَّرَى.

ثمَّ يركع ويقول:

سُبْحَانَكَ عَنْ ذِكْرِي وَذِكْرِ دُونِي وَوَصْفِي وَوَصْفِ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ.

ثمَّ يقوم للقنوت ويقول:

يَا إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ تَشَبَّثَ بِأَنَامِلِ الرَّجَاءِ بِأَذْيَالِ رَحْمَتِكَ
وَفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثم يقعد ويقول:

أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفَرْدَانِيَّتِكَ وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَدْ
أَظْهَرْتَ أَمْرَكَ وَوَفَيْتَ بَعْدَكَ وَفَتَحْتَ بَابَ فَضْلِكَ عَلَيَّ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَالتَّكْبِيرُ وَالْبَهَاءُ عَلَيَّ
أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ مَا مَنَعَتْهُمْ شُؤْنَاتُ الْخَلْقِ عَنِ الْإِقْبَالِ إِلَيْكَ
وَأَنْفَقُوا مَا عِنْدَهُمْ رَجَاءً مَا عِنْدَكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.

نماز بزرگ

صلاة كبرى كه تلاوت آن در شب و روز يك بار كافي است
لِلْمُصَلِّي أَنْ يَقُومَ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ وَإِذَا قَامَ وَاسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يَنْظُرُ

إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ كَمَنْ يَنْتَظِرُ رَحْمَةَ رَبِّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقُولُ:
يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ غَيْبِكَ الْعَلِيِّ
الْأَبْهَى بِأَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجُبَاتِي الَّتِي مَنَعَتْني
عَنْ مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ وَنُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ:

يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَمَحْبُوبَ الْأُمَّمِ تَرَانِي مُقْبِلًا إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَمَّا
سِوَاكَ مُتَمَسِّكًا بِحَبْلِكَ الَّذِي بِحَرَكَتِهِ تَحَرَّكَتِ الْمُمْكِنَاتُ،
أَيُّ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَكُونُ حَاضِرًا قَائِمًا بَيْنَ أَيْدِي
مَشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَمَا أُرِيدُ إِلَّا رِضَاكَ، أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ رَحْمَتِكَ
وَشَمْسِ فَضْلِكَ بِأَنْ تَفْعَلَ بِعَبْدِكَ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَعِزَّتِكَ

الْمُقَدَّسَةِ عَنِ الذِّكْرِ وَالشَّاءِ كُلِّ مَا يَظْهَرُ مِنْ عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ
قَلْبِي وَمَحْبُوبُ فُؤَادِي، إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ إِلَى آمَالِي وَأَعْمَالِي
بَلْ إِلَى إِرَادَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَسْمِكَ
الْأَعْظَمِ يَا مَالِكَ الْأُمَمِ مَا أَرَدْتُ إِلَّا مَا أَرَدْتَهُ وَلَا أُحِبُّ إِلَّا مَا
تُحِبُّ.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِوَصْفِ مَا سِوَاكَ أَوْ تُعْرَفَ بِعِرْفَانِ
دُونِكَ.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

أَيُّ رَبِّ فَاجْعَلْ صَلَاتِي كَوَثْرَ الْحَيَوَانِ لِيَبْقَى بِهِ ذَاتِي بِدَوَامِ
سُلْطَتِكَ وَيَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنْ عَوَالِمِكَ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ:

يَا مَنْ فِي فِرَاقِكَ ذَابَتِ الْقُلُوبُ وَالْأَكْبَادُ وَبِنَارِ حُبِّكَ اشْتَعَلَ

مَنْ فِي الْبِلَادِ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْآفَاقَ بَأْنٍ
لَا تَمْنَعُنِي عَمَّا عِنْدَكَ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، أَيُّ رَبِّ تَرَى الْغَرِيبَ
سَرَعَ إِلَى وَطْنِهِ الْأَعْلَى ظِلُّ قِبَابِ عَظَمَتِكَ وَجِوَارِ رَحْمَتِكَ
وَالْعَاصِي قَصْدَ بَحْرِ غُفْرَانِكَ وَالذَّلِيلَ بِسَاطِ عِزِّكَ وَالْفَقِيرَ أُفُقَ
غَنَائِكَ، لَكَ الْأَمْرُ فِيمَا تَشَاءُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُودُ فِي
فِعْلِكَ وَالْمُطَاعُ فِي حُكْمِكَ وَالْمُخْتَارُ فِي أَمْرِكَ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَنْحَنِي لِلرُّكُوعِ لِلَّهِ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى وَيَقُولُ:

يَا إِلَهِي تَرَى رُوحِي مُهْتَرًا فِي جِوَارِحِي وَأَرْكَانِي شَوْقًا لِعِبَادَتِكَ
وَشَغْفًا لِدِكْرِكَ وَثَنَائِكَ وَيَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ بِهِ لِسَانُ أَمْرِكَ فِي
مَلَكُوتِ بَيَانِكَ وَجَبْرُوتِ عِلْمِكَ، أَيُّ رَبِّ أَحَبُّ أَنْ أَسْأَلَكَ
فِي هَذَا الْمَقَامِ كُلِّ مَا عِنْدَكَ لِإِثْبَاتِ فَقْرِي وَإِعْلَاءِ عَطَائِكَ
وَوَغْنَائِكَ وَإِظْهَارِ عَجْزِي وَإِبْرَازِ قُدْرَتِكَ وَاقْتِدَارِكَ.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ لِلْقُنُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَيَقُولُ:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَكِيمُ فِي
الْمَبْدَأِ وَالْمَآبِ، إِلَهِي إِلَهِي عَفْوِكَ شَجَّعَنِي وَرَحْمَتِكَ قَوَّتَنِي
وَنِدَائِكَ أَيْقَظَنِي وَفَضْلِكَ أَقَامَنِي وَهَدَانِي إِلَيْكَ وَإِلَّا مَالِي
وَشَأْنِي لِأَقُومَ لَدَى بَابِ مَدِينِ قُرْبِكَ أَوْ أَتَوَجَّهَ إِلَى الْأَنْوَارِ
الْمُشْرِقَةِ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ إِرَادَتِكَ، أَيُّ رَبِّ تَرَى الْمَسْكِينَ يَقْرَعُ
بَابَ فَضْلِكَ وَالْفَانِيَّ يُرِيدُ كَوَثَرَ الْبَقَاءِ مِنْ أَيْدِي جُودِكَ لَكَ
الْأَمْرُ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ وَلِي التَّسْلِيمِ وَالرِّضَاءِ
يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ.

ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَقُولُ:

اللَّهُ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ:

سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى سَمَاءِ قُرْبِكَ أَذْكَارُ الْمُقْرَبِينَ أَوْ أَنْ

تَصِلَ إِلَى فِنَاءِ بَابِكَ طُيُورُ أَفئِدَةِ الْمُخْلِصِينَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ
مُقَدَّسًا عَنِ الصِّفَاتِ وَمَنْزَهًا عَنِ الْأَسْمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ
الْأَبْهَى .

ثُمَّ يَقَعُدُ وَيَقُولُ :

أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ الْأَشْيَاءَ وَالْمَلَأْتَ الْأَعْلَى وَالْجَنَّةَ الْعُلْيَا وَعَنْ
وَرَائِهَا لِسَانَ الْعِظَمَةِ مِنَ الْأَفُقِ الْأَبْهَى أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ وَالَّذِي ظَهَرَ إِنَّهُ هُوَ السِّرُّ الْمَكُونُ وَالرَّمْزُ الْمَخْزُونُ الَّذِي
بِهِ اقْتَرَنَ الْكَافُ بِرُكْنِهِ النُّونُ ، أَشْهَدُ أَنَّهُ هُوَ الْمَسْطُورُ مِنَ الْقَلَمِ
الْأَعْلَى وَالْمَذْكُورُ فِي كُتُبِ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ وَالْثَرَى .

ثُمَّ يَقُومُ مُسْتَقِيمًا وَيَقُولُ :

يَا إِلَهَ الْوُجُودِ وَمَالِكِ الْغَيْبِ وَالشُّهُودِ تَرَى عِبْرَاتِي وَزَفْرَاتِي
وَتَسْمَعُ ضَجِيجِي وَصَرِيخِي وَحَنِينِ فُؤَادِي وَعِزَّتِكَ
اجْتِرَاحَاتِي أَبْعَدْتَنِي عَنِ التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَجَرِيرَاتِي مَنَعْتَنِي

عَنِ الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ، أَيُّ رَبِّ حُبِّكَ أَضْنَانِي وَهَجْرُكَ
أَهْلَكْنِي وَبَعْدَكَ أَحْرَقْنِي أَسْأَلُكَ بِمَوْطِئِ قَدَمِكَ فِي هَذَا
الْبِيدَاءِ وَبِلَيْكَ لَبَّيْكَ أَصْفِيَانِكَ فِي هَذَا الْفَضَاءِ وَبِنَفْحَاتِ
وَحْيِكَ وَنَسَمَاتِ فَجْرِ ظُهُورِكَ بَانَ تَقَدَّرَ لِي زِيَارَةَ جَمَالِكَ
وَالْعَمَلَ بِمَا فِي كِتَابِكَ.

ثُمَّ يَكْبُرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَرْكَعُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا أَيْدَتْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَثَنَانِكَ وَعَرَفْتَنِي
مَشْرِقَ آيَاتِكَ وَجَعَلْتَنِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ وَخَاشِعًا لِأَلُوْهِتِكَ
وَمُعْتَرِفًا بِمَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ.

ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ:

إِلَهِي إِلَهِي عِصْيَانِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَغَفَلْتَنِي أَهْلَكْتَنِي كَلَّمَا
أَتَفَكَّرْتُ فِي سُوءِ عَمَلِي وَحُسْنِ عَمَلِكَ يَدُوبُ كَبِدِي وَيَغْلِي الدَّمُ
فِي عُرُوقِي، وَجَمَالِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ إِنَّ الْوَجْهَ يَسْتَحِي أَنْ

يَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَأَيَادِي الرَّجَاءِ تَخْجَلُ أَنْ تَرْتَفِعَ إِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ،
تَرَى يَا إِلَهِي عِبْرَاتِي تَمْنَعُنِي عَنِ الذِّكْرِ وَالشَّنَاءِ يَا رَبَّ الْعَرْشِ
وَالثَّرَى، أَسْأَلُكَ بِآيَاتِ مَلَكُوتِكَ وَأَسْرَارِ جَبْرُوتِكَ بِأَنْ تَعْمَلَ
بِأَوْلِيائِكَ مَا يَنْبَغِي لِجُودِكَ يَا مَالِكَ الْوُجُودِ وَيَلِيقُ لِفَضْلِكَ يَا
سُلْطَانَ الْغَيْبِ وَالشُّهُودِ.

ثُمَّ يَكْبِرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ:

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهَنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ وَيَرْزُقُنَا كُلَّ
خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَزُبْرِكَ، أَيُّ رَبِّ نَسْأَلُكَ بِأَنْ تَحْفَظَنَا مِنْ
جُنُودِ الظُّنُونِ وَالْأَوْهَامِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَامُ.

ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَقْعُدُ وَيَقُولُ:

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِهِ أَصْفِيائِكَ وَأَعْتَرَفُ بِمَا اعْتَرَفَ
بِهِ أَهْلُ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَالْجَنَّةِ الْعُلْيَا وَالَّذِينَ طَافُوا عَرْشَكَ
الْعَظِيمِ، الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ لَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

دعاى مخصوص ماه روزه

هُوَ الْعَزِيزُ الْمَنَّانُ

يا اِلهَ الرَّحْمَنِ وَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيِ الْاِمْكَانِ تَرى عِبَادَكَ وَ
اَرِقَائِكَ الَّذينَ يَصُومُونَ فى الْاَيَّامِ بِاَمْرِكَ وَ اِرَادَتِكَ وَ
يَقُومُونَ فى الْاَسْحَارِ لِذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ رَجَاءَ مَا كُنْتَ فى
كُنَائِزِ فَضْلِكَ وَ خَزَائِنِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ اَسْأَلُكَ يا مَنْ
بِيَدِكَ زِمَامُ الْمُمَكِنَاتِ وَ فى قَبْضَتِكَ مَلَكُوتُ الْاَسْمَاءِ وَ
الصِّفَاتِ بِانْ لا تَحْرِمُ عِبَادَكَ عَنْ اَمْطَارِ سَحَابِ رُحْمَتِكَ
فى اَيَّامِكَ وَ لا تَمْنَعُهُمْ عَنْ رَشْحَاتِ بَحْرِ رِضَائِكَ اَيُّ رَبِّ
قَدْ شَهِدْتَ الذَّرَّاتُ بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ الْاَيَّاتُ لِعَظَمَتِكَ
وَ اقْتِدَارِكَ فَارْحَمْ يا اِلهَ الْعَالَمِ وَ مَالِكَ الْقِدَمِ وَ سُلْطَانَ
الْاُمَمِ عِبَادَكَ الَّذينَ تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ اَوْامِرِكَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ
ظُهُورَاتِ اَحْكَامِكَ مِنْ سَمَاءِ مَشِيَّتِكَ اَيُّ رَبِّ تَرى عِيُونَهُمْ

ناظرة إلى أفق عنايةك وقلوبهم متوجهة إلى بحور الطافك
وأصواتهم خاشعة لندائك الأحملي الذي ارتفع من المقام
الأعلى باسمك الأبهي أي رب فانصر أحبتك الذين نبذوا
ما عندهم رجاء ما عندك و أحاطتهم البأساء و الضراء
بما أعرضوا عن الوري و أقبلوا إلى أفقك الأعلى أي رب
أسألك بأن تحفظهم من شئون النفس و الهوى و تؤيدهم
على ما ينفعهم في الآخرة و الأولى أي رب أسألك باسمك
المكنون المخزون الذي ينادى بأعلى النداء في ملكوت
الإنشاء و يدعوا الكل إلى سدرة المنتهى و المقام الأقصى
بأن تنزل علينا و على عبادك من أمطار سحاب رحمتك
ليطهرنا عن ذكر غيرك و يقربنا إلى شاطئ بحر فضلك
أي رب فكتب لنا من قلمك الأعلى ما يبقى به أرواحنا
في جبروتك و أسمائنا في ملكوتك و أجسادنا في كنائز

حِفْظِكَ وَاجْسَامُنَا فِي خَزَائِنِ عِصْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ
عَلَى مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيِّمُ الْقِيَوْمِ أَيُّ رَبِّ
تَرَى أَيَادِي الرَّجَاءِ مُرْتَفِعَةً إِلَى سَمَاءِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ
بِأَنَّ لَا تُرْجِعَهَا إِلَّا بِكُنُوزِ عَطَائِكَ وَ إِحْسَانِكَ أَيُّ رَبِّ فَاصْتُبْ
لَنَا وَ لِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا كَلِمَةَ الْغُفْرَانِ ثُمَّ اقْضِ لَنَا مَا أَرَدْنَا مِنْ
طَمَاطِمِ فَضْلِكَ وَ مَوَاهِبِكَ ثُمَّ اقْبَلْ مِنَّا يَا مَحْبُوبِنَا مَا عَمِلْنَا
فِي سَبِيلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي الْفَرْدُ الْوَاحِدُ الْغَفُورُ
الْعَطُوفُ .

Kherad Publishing - 2020

Email: editor@kheradpublishing.com